



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

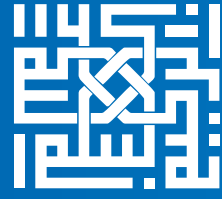
تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

پژوهشکده مطالعات اقتصادی و توان رقابتی
گروه اقتصاد کلان و آینده‌پژوهی

سیرانه‌گذاری برای تولید

نهمین ماه ۱۴۰۴

www.itsr.ir





فهرست مطالب

۵	چکیده مدیریتی
۱۰	پیشنهادات
۱۱	۱. مقدمه
۱۱	۲. مبانی نظری تعیین حداقل دستمزد و آثار آن بر تولید، اشتغال و تورم
۱۱	۱-۲. نظریه نئوکلاسیک بازار کار: منطق هزینه‌ای دستمزد
۱۲	۲-۲. نظریه دستمزد کارایی: دستمزد به عنوان سرمایه‌گذاری
۱۳	۳-۲. نظریه تقاضای مؤثر: دستمزد به عنوان محرک تولید
۱۴	۴-۲. نظریه تورم ساختاری و عرضه محور: جایگاه واقعی دستمزد در تورم
۱۴	۵-۲. نظریه دستمزد معیشتی: گذار از حداقل بقا به حداقل کرامت
۱۴	۶-۲. مدل مفهومی تحلیل رابطه دستمزد، معیشت، تولید و تورم در اقتصاد ایران
۱۶	۳. پیشینه مطالعات تجربی داخلی و خارجی
۲۶	۴. تحولات حداقل دستمزد در ایران و کشورهای منتخب
۳۲	۵. ضرورت تعیین حداقل دستمزد بر اساس مناطق و صنایع در ایران
۳۲	۱-۵. ضرورت اجرای حداقل دستمزد منطقه‌ای
۳۹	۲-۵. ضرورت توجه به تعیین حداقل دستمزد بر مبنای صنایع
۳۹	۶. روش‌شناسی محاسبه سبد معیشت



۴۰	۱-۶. مراحل اصلی به شرح زیر است:
۴۱	۲-۶. مقادیر پیشنهادی اقلام سبد غذایی مطلوب جامعه ایرانی (سرانه روزانه)
۴۲	۳-۶. هزینه اقلام خوراکی در سبد معیشت
۴۴	۴-۶. محاسبه جمع هزینه‌های اقلام خوراکی و غیر خوراکی خانوار کارگری در سال ۱۴۰۴
۴۶	۷. سناریوهای محاسباتی دستمزد ۱۴۰۵
۴۹	۸. امکان‌سنجی نهادی تحقق سناریوهای دستمزد ۱۴۰۵: تحلیل ساختار بازار کار ایران و تطبیق با ...
۵۱	۹. برآورد کمی اثر افزایش دستمزد بر قیمت‌ها
۵۶	۱۰. جمع‌بندی و پیشنهادات
۶۰	پیشنهادات
۶۱	منابع و مأخذ



چکیده مدیریتی

این گزارش با هدف تعیین حداقل دستمزد در کشور برای سال ۱۴۰۵ و اثرات آن بر هزینه‌های بنگاه‌های تولیدی و تورم در کشور تدوین شده است. نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که:

➤ **روند تاریخی دستمزد حقیقی:** دستمزد واقعی در بازار کار ایران طی دوره ابتدای دهه ۱۳۹۰ و از سال

۱۳۹۷ با رشد منفی مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که از ابتدای سالهای دهه هشتاد تا ۱۴۰۳ نزدیک به ۱۰ درصد از قدرت خرید حداقل بگیران (صرفاً بر اساس رشد دستمزد حقیقی) کاسته شده است. همچنین در سال‌های اخیر (به ویژه از ۱۴۰۲ به بعد)، این شکاف بیشتر شده است.

➤ **مقایسه حداقل دستمزد در ایران و کشورهای منتخب:**

- حداقل دستمزد واقعی (بر حسب دلار و برابری قدرت خرید) ایران (۶۱۵ دلار) از مصر (۸۸۰ دلار) و اوکراین (۷۴۰ دلار) به طور محسوسی پایین‌تر، اما از برزیل (۵۵۹ دلار) و آذربایجان (۶۵۵ دلار) در سطحی مشابه است. این نشان می‌دهد با وجود سطح درآمد سرانه نسبتاً مشابه، سیاست توزیعی و حمایت از نیروی کار در مصر و اوکراین قوی‌تر از ایران بوده است.
- همچنین شاخص عدالت توزیعی (نسبت حداقل دستمزد به سرانه تولید ناخالص) در ایران با نسبت ۳٫۱ درصد در میانه جدول قرار دارد. کشورهایی مانند پاکستان (۹٫۱ درصد)، تونس (۳٫۷ درصد) و مصر (۴٫۶ درصد) سهم بالاتری را به کارگران حداقل دستمزد اختصاص می‌دهند.

■ ایران در سطح مطلق حداقل دستمزد واقعی از برخی کشورهای هم‌تراز خود پایین‌تر است، همچنین از نظر شاخص عدالت توزیعی (سهام حداقل دستمزد از تولید ناخالص داخلی) نیز در جایگاه مناسبی قرار ندارد. این آمار نشان‌دهنده تلاش بیشتر برای بهبود توزیع عادلانه ثروت و فشار کمتر بر نیروی کار کم‌درآمد است.

🔑 **شکاف عمیق میان حداقل دستمزد و هزینه معیشت:** براساس محاسبات دقیق مبتنی بر سبد غذایی مطلوب وزارت بهداشت و داده‌های رسمی مرکز آمار، هزینه معیشت یک خانوار کارگری ۳۰۳ نفری در دی‌ماه ۱۴۰۴ معادل ۳۶۰۴ میلیون تومان برآورد شده است، در حالی که حداقل دستمزد سال ۱۴۰۴ تنها حدود ۱۳۰۵ میلیون تومان بوده است. این شکاف نشان‌دهنده ناتوانی حداقل دستمزد در تأمین حداقل نیازهای زندگی است.

🔑 **تضعیف قدرت خرید و پیامدهای رکودی:** کاهش مستمر قدرت خرید دستمزد واقعی (حدود ۱۱ درصد از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ و در دهه نود ۸۰ درصد) نه تنها به بیشتر شدن فقر شاغلان منجر شده، بلکه از طریق کاهش تقاضای مؤثر داخلی، رکود در بخش تولید را تشدید کرده است.

🔑 **ساختار نهادی ناکارآمد بازار کار:** نظام تعیین دستمزد در ایران نسبتاً متمرکز و فاقد توجه کافی به تفاوت‌های منطقه‌ای، صنفی و بهره‌وری است. نقش تشکل‌های کارگری در فرآیند چانه‌زنی ضعیف بوده و سه‌جانبه‌گرایی موجود از گستردگی و پوشش کمی برخوردار است.

🔑 **تجارب بین‌المللی و حرکت به سمت دستمزد معیشتی:** بسیاری از کشورها، به ویژه در اتحادیه اروپا، به سمت تعیین حداقل دستمزد بر مبنای معیارهای کیفیت (مانند ۶۰ درصد میانگین دستمزد) یا محاسبه هزینه واقعی زندگی حرکت کرده‌اند. این رویکرد نه تنها عدالت اجتماعی را بهبود بخشیده، بلکه با تقویت تقاضا و بهره‌وری، به پایداری رشد اقتصادی کمک کرده است.

🔑 مقایسه حداقل دستمزد در ایران و کشورهای منتخب:

■ ایران در سطح مطلق حداقل دستمزد واقعی از برخی کشورهای هم‌تراز خود پایین‌تر است، همچنین از نظر شاخص عدالت توزیعی (سهام حداقل دستمزد از تولید ناخالص داخلی) نیز در جایگاه مناسبی قرار ندارد. این آمار نشان‌دهنده تلاش بیشتر برای بهبود توزیع عادلانه ثروت و فشار کمتر بر نیروی کار کم‌درآمد است.

■ همچنین شاخص عدالت توزیعی (نسبت حداقل دستمزد به سرانه تولید ناخالص) در ایران با نسبت ۳٫۱ درصد در میانگین جدول قرار دارد. کشورهایی مانند پاکستان (۹٫۱ درصد)، تونس (۳٫۷ درصد) و مصر (۴٫۶ درصد) سهم بالاتری را به کارگران حداقل دستمزد اختصاص می‌دهند.

■ حداقل دستمزد واقعی (بر حسب دلار و برابری قدرت خرید) ایران (۶۱۵ دلار) از مصر (۸۸۰ دلار) و اوکراین (۷۴۰ دلار) به‌طور محسوسی پایین‌تر، اما از برزیل (۵۵۹ دلار) و آذربایجان (۶۵۵ دلار) در سطحی مشابه است. این نشان می‌دهد با وجود سطح درآمد سرانه نسبتاً مشابه، سیاست توزیعی و حمایت از نیروی کار در مصر و اوکراین قوی‌تر از ایران بوده است.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

▲ افزایش حداقل دستمزد لزوماً تورم‌زای شدید نیست:

مطالعات تجربی داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که اثر تورمی افزایش حداقل دستمزد مثبت اما محدود است. برآوردها حاکی از آن است که افزایش ۴۰ درصدی حداقل دستمزد، شاخص قیمت تولیدکننده را تنها حدود ۵٫۲ درصد و شاخص قیمت مصرف‌کننده را ۴٫۴ درصد افزایش خواهد داد. براساس سناریو پیشنهادی (سناریو چهارم) شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده به ترتیب ۹٫۱ و ۷٫۸ درصد افزایش خواهد یافت.

سناریوهای پیشنهادی تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵

سناریوها	فروض	حداقل دستمزد ۱۴۰۵ به هزار تومان	درصد افزایش نسبت به سال قبل	نکات سیاستی
۱	تورم سال ۱۴۰۵: ۵۰ درصد	۲۰,۲۳۶	۵۰ درصد	کم‌ریسک‌ترین گزینه برای بنگاه‌ها؛ مناسب شرایط رکود شدید، اما فاقد کارکرد رفاهی مؤثر
۲	تورم سال ۱۴۰۵: ۵۰ درصد ضریب عقب‌ماندگی: ۱۰:۱ درصد	۲۱,۵۸۶	۶۰ درصد	مناسب شرایط رکود شدید و جبران بخشی از عقب‌ماندگی
۳	ضریب پوشش: ۱۰۰ درصد سبد معیشت: ۳۶۳۷۰۷۳۸ تومان	۳۶,۳۷۱	۱۶۹ درصد	اجرای کامل دستمزد معیشتی، کاملاً کارکرد رفاهی دارد، جبران کامل عقب‌ماندگی، به کارفرمایان فشار وارد می‌شود و مطابق با ماده ۴۱ است
۴	ضریب پوشش: ۷۰ درصد سبد معیشت: ۳۶۳۷۰۷۳۸ تومان (سناریوی پیشنهادی)	۲۵,۴۶۰	۸۹ درصد	اجرای تدریجی دستمزد معیشتی، کاملاً کارکرد رفاهی دارد، جبران عقب‌ماندگی، تا حدودی به کارفرمایان فشار وارد می‌شود و مطابق با ماده ۴۱ است

بررسی تطبیقی سناریوهای پیشنهادی نشان می‌دهد که اتکای صرف به سناریوی پوشش تورم (سناریو اول و دوم)، اگرچه از منظر کنترل هزینه‌های تولید جذاب است، اما عملاً منجر به تثبیت فقر شاغلان و تعمیق شکاف میان‌مزد و معیشت (در سناریو دوم کمتر از سناریو اول) می‌شود. در مقابل، سناریوی مزد معیشتی (سوم)، تنها گزینه‌ای است که به‌طور مستقیم با واقعیت‌های هزینه‌ای خانوار کارگری هم‌راستا است، هرچند اجرای ناگهانی آن می‌تواند برای بخشی از بنگاه‌ها چالش برانگیز باشد. از این‌رو، سناریوی چهارم که اجرای تدریجی سناریوی سوم است که پوشش کامل تورم را با ترمیم تدریجی شکاف معیشتی تلفیق می‌کند، واقع‌بینانه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای گذار به نظام مزد شایسته در ایران محسوب می‌شود. این رویکرد ضمن رعایت الزامات ماده ۴۱ قانون کار، امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت برای بنگاه‌ها و کاهش نااطمینانی در بازار کار را فراهم می‌سازد.



- فشارهای معیشتی بر نیروی کار، به‌ویژه در محیط‌های تورمی، منجر به گسترش اشتغال غیررسمی می‌شود. برآوردهای این نهاد حاکی از آن است که افت درآمد واقعی می‌تواند سهم اشتغال غیررسمی را تا ۳-۶ واحد درصد افزایش دهد، زیرا نیروی کار برای جبران کاهش قدرت خرید، به سمت مشاغل کم‌کیفیت، ناپایدار و فاقد پوشش بیمه‌ای سوق داده می‌شود. داده‌های رسمی در ایران نشان می‌دهد که سهم اشتغال غیررسمی در کشور از حدود ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۵ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. این افزایش هم‌زمان با دوره تشدید تورم، کاهش دستمزد واقعی و افت قدرت خرید نیروی کار رخ داده و نشان‌دهنده واکنش ساختاری بازار کار به فشارهای معیشتی است.
- اثر افزایش ۴۰ درصد در حداقل دستمزد نیروی کار بر قیمت تولیدکننده فعالیت‌های بخش صنعت حاکی از آن است که تولید مبلمان، تولید سایر فلزات اساسی و تولید چرم و فرآورده‌های وابسته بیشترین رشد را تجربه خواهند کرد. در مقابل تولید محصولات رایانه‌ای و تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو دارای کمترین رشد شاخص قیمت تولیدکننده خواهند بود.

↳ ضرورت توجه به تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای:

- پراکندگی نرخ تورم میان مناطق: دامنه تغییرات (پراکندگی) نرخ تورم در میان استان‌های کشور ۱۷ واحد درصد است که کمترین آن متعلق به تهران و بیشترین آن به استان سمنان اختصاص دارد و استان‌های اصفهان، زنجان، قم و همدان نزدیک به میانگین کشوری هستند.
- پراکندگی فقر در میان مناطق: با وجود متوسط ۳۱ درصدی نرخ فقر در کشور، در استان‌هایی نظیر قم و خراسان شمالی نرخ فقر بالای ۵۰ درصد وجود دارد. دامنه اختلاف نرخ فقر در دو گروه استان‌های دارای بالاترین و پایین‌ترین نرخ فقر حدود ۳۴ درصد است.
- تفاوت در هزینه زندگی در میان مناطق: بررسی‌ها نشان می‌دهد استان تهران دارای بالاترین هزینه زندگی در میان استان‌های کشور است و استان‌های البرز و مازندران بعد از آن قرار دارند. استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و ایلام بیشترین فاصله هزینه‌ای را با استان تهران دارند که نشان می‌دهد این استان‌ها در مقایسه با استان تهران هزینه زندگی کمتری دارند.
- تفاوت بالا در هزینه مسکن مناطق: مطابق آمار هزینه خانوارها، هزینه مسکن در استان تهران بیشترین و در استان کهگیلویه و بویراحمد کمترین مقدار است، به‌گونه‌ای که هزینه مسکن در این استان ۰٫۳۳ استان تهران می‌باشد. این سهم نشان می‌دهد که هزینه مسکن در شهر تهران سه برابر استان کهگیلویه و بویراحمد است.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

به‌طورکلی، مقایسه آمارهای تفاوت منطقه‌ای تورم، هزینه‌های زندگی، فقر در میان استان‌های کشور و هزینه مسکن، ضرورت تعیین دستمزد منطقه‌ای را برای دولت به‌منظور خروج از نابرابری‌های درآمدی امری اجتناب‌ناپذیر کرده است.

بررسی الزامات و پیش‌نیازهای تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای نشان می‌دهد برای اجرای این سیاست نیاز است ساختار و نهادهای محلی، سازوکارهای موردنیاز تعیین حداقل دستمزد مشخص گردند.

تجربه کشورها در پیاده‌سازی حداقل دستمزد مبتنی بر صنایع نشان می‌دهد که اقلیتی از کشورها از این شیوه استفاده می‌کنند. شیوه تعیین این نوع حداقل دستمزد در کشورهای مورد بررسی بر اساس قوی یا ضعیف بودن تشکل کارگری متفاوت است.

بررسی شیوه تعیین دستمزد بر اساس صنایع در کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که این شیوه جهت اجرا نیازمند ظرفیت و الزامات اجرایی خاصی از جمله موارد زیر است:

- توجه به رویکرد توسعه‌ای و استفاده از این سیاست در مسیر توسعه صنعتی؛
- انتخاب صنایع هدف مناسب (استفاده از ظرفیت ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت و تدوین سند مورد نظر برای هدف‌گذاری صنایع)؛
- انتخاب مشاغل جهت حمایت (نظیر مشاغل سخت و زیان‌آور در هر صنعتی)؛
- ایجاد نهادهای موردنیاز برای اجرای سیاست مورد نظر؛
- نیاز به معیارهای مرتبط با اجرایی‌سازی حداقل دستمزد بر اساس صنایع؛
- پشتیبانی نظام آمار و اطلاعات بازار کار کشور مرتبط با بنگاه‌های کوچک؛

تجربه کشورها نشان می‌دهد که سیستم‌های پیچیده‌تر تعیین دستمزد هر چند امکان انعطاف بر اساس مناطق، بخش‌ها و فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما به ظرفیت نهادی بیشتری نیاز دارد و در مواردی سیستم‌هایی که بیش از حد پیچیده هستند، کارایی خود را از دست می‌دهند و ممکن است در برخی اوقات در چانه‌زنی جمعی بین کارگران و کارفرمایان اختلال ایجاد کنند. همچنین تمرکز صرف بر رویکرد حمایتی و عدم رعایت اصل دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر، ممکن است تبعیض و بی‌عدالتی را افزایش دهد؛ به‌ویژه زمانی که حداقل دستمزد بر اساس بخش یا طبقه شغلی تعیین می‌شود.

کمیبود پیش‌نیازهای نظام اطلاعاتی پشتیبان (تعیین حداقل دستمزد در مناطق و صنایع)، ساختار و حوزه نهاد، ابزارها و معیارها و... اجازه اجرای حداقل دستمزد بر اساس مناطق و صنایع در کوتاه‌مدت را بسیار مشکل می‌سازد. در سطح جهانی حدود ۵۰ درصد کشورهای جهان از شیوه حداقل دستمزد ملی بهره می‌برند و حداقل دستمزد در حدود ۳۰ درصد کشورها به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود. گرچه با توجه به تفاوت‌های شدید هزینه‌های زندگی در مناطق کشور و تفاوت نرخ‌های تورم در این مناطق؛ ضروری است دولت ضمن تدارک پیش‌نیازهای لازم، نسبت به تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای اقدام نماید.

پیشنهادات

۱. تداوم سیاست افزایش حداقل دستمزد به میزان کمتر از تورم، منجر به تعمیق فقر شاغلان و تضعیف تقاضای داخلی، بحران رکود تورمی را تشدید خواهد کرد. لذا راه حل واقع بینانه، اجرای برنامه‌ای تدریجی، اما قاطع برای رساندن دستمزد به سطح معیشت، همراه با بسته‌های حمایتی از بنگاه‌های آسیب‌پذیر و اصلاحات نهادی در حکمرانی بازار کار است. این مسیر اگرچه در کوتاه‌مدت چالش برانگیز است، اما در میان‌مدت با افزایش رفاه، تقویت تقاضا، ارتقای بهره‌وری و کاهش نارضایتی اجتماعی، به ثبات و رشد پایدار اقتصاد ایران کمک شایانی خواهد کرد.
۲. پیشنهاد می‌شود سناریوی چهارم (افزایش ۸۹ درصدی در سال ۱۴۰۵ به عنوان گام اول برنامه سه‌ساله) با مکانیزم‌های شفاف محاسبه مبنای تصمیم‌گیری شورای عالی کار باشد. بر این اساس مبلغ حداقل دستمزد به میزان ۲۵۴۶۰ هزار تومان (شامل هزینه مسکن و بن کارگری) پیشنهاد می‌شود.
۳. به دلیل توان مالی پایین بنگاه‌های کوچک و متوسط تدوین و طراحی بسته حمایتی برای بنگاه‌های فوق نظیر تخفیف در بیمه، کاهش مالیات به میزان ۵ درصد، برنامه ارتقاء بهره‌وری و ... به عنوان سیاست مکمل در دستور کار شورای عالی کار و نهادهای سیاست‌گذار اقتصادی قرار گیرد.
۴. در خصوص تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای و صنایع پیشنهاد می‌شود:
 - ضروری است دولت با تشکیل کارگروهی متشکل از نماینده کارگران، کارفرمایان، متخصصان مستقل و کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری (گروه متخصصین) جهت پیاده‌سازی سیستم حداقل دستمزد منطقه‌ای نسبت به بحث و بررسی و نهایی سازی موارد زیر اقدام نماید:
 - اضافه شدن شاخص‌های جدید برای تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای
 - تعریف شاخص‌های تعیین حداقل دستمزد صنایع
 - منطقه‌بندی کشور بر اساس شاخص‌های تعیین شده
 - تعیین شاخص‌های مرتبط با حداقل دستمزد صنایع و مشاغل و انتخاب صنایع و مشاغل هدف
 - ایجاد ظرفیت‌های قانونی و نهادی مورد نیاز اجرای سیاست حداقل دستمزد منطقه‌ای و صنایع.
 - به دلیل تفاوت فراوان در استان‌های کشور به لحاظ هزینه‌های زندگی، تدوین حداقل دستمزد ملی با چالش فراوانی روبرو است. از این رو در کوتاه مدت پیشنهاد می‌شود دولت با استفاده از شاخص ترکیبی فقر، تورم و هزینه مسکن (سهم بالای آن در سبد هزینه زندگی خانوارها) نسبت به تعریف ضریب تعدیل‌کننده تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای اقدام نماید.



۱. مقدمه

تعیین حداقل دستمزد یکی از حساس‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین تصمیمات سیاستی در اقتصاد ایران است. در سال‌های اخیر، هم‌زمان با تشدید تورم، کاهش قدرت خرید خانوارهای کارگری و افزایش فقر شاغلان، موضوع «کفایت دستمزد» به یکی از محورهای اصلی مذاکرات مزدی و دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی بدل شده است. با این حال، در فضای سیاست‌گذاری، همچنان این نگرانی وجود دارد که افزایش حداقل دستمزد می‌تواند به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده تورم عمل کرده و فشار هزینه‌ای مضاعفی بر بنگاه‌های تولیدی، به‌ویژه در بخش صنعت، وارد کند.

این گزارش با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی تدوین شده است که افزایش حداقل دستمزد تا چه اندازه می‌تواند بر تورم اثرگذار باشد و آیا ترس از پیامدهای تورمی آن، با شواهد تجربی اقتصاد ایران سازگار است یا خیر؟ در این راستا، گزارش حاضر با ترکیب چهار محور مکمل شامل (۱) مرور مبانی نظری و تجربی مرتبط با حداقل دستمزد و مزد معیشتی، (۲) حداقل دستمزد در ایران و کشورهای منتخب، (۳) محاسبه سبد معیشت خانوار کارگری بر اساس داده‌های رسمی مرکز آمار ایران و اصول سازمان بین‌المللی کار، و (۴) برآورد اثرات حداقل دستمزد بر شاخص‌های تورم در ایران، تلاش می‌کند تصویری جامع، داده‌محور و سیاست‌پذیر ارائه دهد.

۲. مبانی نظری تعیین حداقل دستمزد و آثار آن بر تولید، اشتغال و تورم

۲-۱. نظریه نئوکلاسیک بازار کار: منطق هزینه‌ای دستمزد

در چارچوب نئوکلاسیک، بازار کار مشابه سایر بازارها تلقی می‌شود که در آن دستمزد نیروی کار، از تلاقی عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. هرگونه مداخله سیاستی که دستمزد را بالاتر از سطح تعادلی قرار دهد، موجب شکل‌گیری مازاد عرضه نیروی کار (بیکاری) خواهد شد. از منظر بنگاه، افزایش دستمزد به منزله افزایش هزینه نهایی تولید است که در صورت عدم امکان انتقال کامل به قیمت، سودآوری را کاهش داده و به تعدیل نیروی کار منجر می‌شود. نکته کلیدی این رویکرد آن است که اثر دستمزد بر تورم از کانال «فشار هزینه‌ای» منتقل می‌شود. بدین معنا که افزایش دستمزد، قیمت کالا را بالا می‌برد و در نهایت منجر به تورم می‌شود. این دیدگاه، مبنای اصلی استدلال سیاست‌گذارانی است که افزایش دستمزد را ذاتاً تورم‌زا می‌دانند.

نقد اصلی به این نظریه آن است که ساختارهای واقعی بازار کار و محصول را نادیده می‌گیرد. این چارچوب فرض می‌کند: بازارها کاملاً رقابتی‌اند، بنگاه‌ها قدرت قیمت‌گذاری ندارند، دستمزد تنها عامل تعیین‌کننده هزینه تولید است. در حالی که در بسیاری از صنایع، به‌ویژه در اقتصاد ایران بازارهای غیررقابتی و انحصاری در بخش صنعت، قیمت‌گذاری دستوری در بسیاری از کالاها، چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها و نقش مسلط شوک‌های



ارزی و نهاده‌های وارداتی در هزینه تولید وجود دارد. در چنین شرایطی، تفکیک اثر دستمزد از سایر عوامل تورمی ممکن نیست و اتکای صرف به منطق نئوکلاسیک می‌تواند به سیاست‌گذاری ناقص و انقباضی در بازار کار منجر شود. به عبارت دیگر، اتکای صرف به منطق نئوکلاسیک در سیاست‌گذاری دستمزد ایران منجر به تمرکز افراطی بر مهار مزد شده، در حالی که متغیرهای تعیین‌کننده اصلی تورم و رکود صنعتی (ارز، انرژی، مالیات و تأمین مالی) خارج از این تحلیل باقی مانده‌اند. نظریه نئوکلاسیک توضیح‌دهنده بخشی از رفتار بنگاه‌هاست، اما مبنای کافی برای تعیین حداقل دستمزد در اقتصاد با شوک‌های ساختاری و ناکارآمدی نهادی نمی‌تواند باشد.

۲-۲. نظریه دستمزد کارایی: دستمزد به عنوان سرمایه‌گذاری

نظریه دستمزد کارایی^۱ از این پیش‌فرض آغاز می‌کند که کیفیت نیروی کار تابعی از سطح دستمزد است. برخلاف نئوکلاسیک‌ها، این نظریه فرض می‌کند که نیروی کار همگن نیست و رفتار، انگیزه و بهره‌وری نیروی کار به سیاست‌های مزدی واکنش نشان می‌دهد. نظریه دستمزد کارایی، برخلاف نگاه هزینه‌محور نئوکلاسیک، دستمزد را یک متغیر راهبردی در تابع تولید می‌داند. در این رویکرد، پرداخت دستمزدی بالاتر از سطح تعادلی می‌تواند از طریق چند سازوکار (از جمله افزایش انگیزه و تلاش نیروی کار، کاهش نرخ ترک شغل و هزینه‌های جذب و آموزش، بهبود کیفیت محصول و کاهش ضایعات، کاهش نیاز به نظارت و کنترل اداری) به کاهش هزینه کل بنگاه منجر شود.

بر اساس نظریه استاندارد عرضه و تقاضا، معرفی حداقل دستمزد منجر به حذف برخی مشاغل کم‌درآمد می‌شود و دستمزد برخی دیگر از مشاغل کم‌درآمد را تا سطح حداقل دستمزد افزایش می‌دهد، اما این تغییر عمدتاً بر دستمزدهای بالاتر از حداقل دستمزد تأثیری ندارد. در مقابل، و از منظر نظریه دستمزد کارایی، افزایش حداقل دستمزد، جذابیت نسبی مشاغلی را که دستمزدشان کمی بالاتر از حداقل دستمزد است کاهش می‌دهد و در عین حال، مشاغلی که پیش از این دستمزدشان زیر سطح حداقل بود را نسبتاً جذاب‌تر می‌سازد. این امر، افزایش دستمزد برای مشاغلی که از قبل بالاتر از حداقل دستمزد هستند را به ابزاری مؤثرتر برای گسترش دامنه‌گزینه‌ها، کاهش جابه‌جایی کارکنان و بهبود روحیه و انضباط کاری تبدیل می‌کند. این تحلیل حاکی از وجود یک اثر سرریز برای حداقل دستمزد است: افزایش حداقل دستمزد نه تنها کمترین دستمزدها، بلکه دستمزدهای اندکی بالاتر از سطح حداقلی را نیز بالا می‌برد^۲. یافته‌های تجربی از این پیش‌بینی حمایت می‌کنند^۳. چنین تفسیری همسو با این مشاهده نیز هست که در کشورهای دارای تعیین متمرکز دستمزد، دستمزدهای واقعی عمدتاً از دستمزدهای استاندارد تنظیم‌شده جمعی فراتر می‌روند^۴. برای مثال، در آلمان بسیاری از مؤلفه‌های دستمزد،

1. Efficiency Wage

2. Schlicht (2016)

3. Dolton, P., C. R. Bondibene, and J. Wadsworth (2012)

4. Schlicht, E. (1992)



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

از جمله مستمری‌های تکمیلی و پاداش کریسمس («حقوق سیزدهم»)، معمولاً خارج از چارچوب دستمزدهای چانه‌زنی شده جمعی و به‌عنوان مزایای داوطلبانه اضافی تعیین و پرداخت می‌شوند.

نظریه دستمزد کارایی در بخش‌های مدرن، رسمی و رقابتی اقتصاد ایران (اعم از دولتی و خصوصی) به‌وضوح مصداق دارد. بنگاه‌های موفق ایرانی به‌طور عملی از منطق این نظریه برای جذب، انگیزش و حفظ نیروی کار باکیفیت استفاده می‌کنند. با این حال، محدودیت‌های ساختاری اقتصاد ایران (نظیر تورم بالا، دوگانگی بازار کار، مداخلات دولت) باعث می‌شود این نظریه نتواند به‌صورت کامل و در تمام بخش‌های اقتصاد ایران تبیین‌کننده رفتار دستمزدها در ایران باشد.

۲-۳. نظریه تقاضای مؤثر: دستمزد به‌عنوان محرک تولید

در چارچوب کینزی، دستمزد صرفاً یک هزینه تولید نیست، بلکه منبع اصلی تقاضای مؤثر در اقتصاد محسوب می‌شود. افزایش دستمزد واقعی، از طریق افزایش مصرف خانوار، می‌تواند تقاضای کل را تقویت کرده و بنگاه‌ها را به افزایش تولید و سرمایه‌گذاری ترغیب کند.

این کانال در اقتصادهایی که با محدودیت صادرات و رکود تقاضای داخلی مواجه‌اند، اهمیت مضاعف دارد. در ایران، بسیاری از صنایع (مانند صنایع غذایی، پوشاک، لوازم خانگی و مصالح ساختمانی) به‌شدت به قدرت خرید داخلی وابسته‌اند. کاهش دستمزد واقعی نه‌تنها هزینه تولید را در این صنایع کاهش نداده، بلکه به افت فروش، کاهش ظرفیت تولید و تشدید رکود انجامیده است. از این منظر، سیاست مهار دستمزد می‌تواند به یک چرخه رکودی خودتقویت‌شونده منجر شود (دستمزد پایین، مصرف کمتر، فروش کمتر، کاهش تولید و کاهش اشتغال). در شرایطی که بسیاری از صنایع ایران با مشکل «کمبود تقاضا» مواجه‌اند، دستمزد بالا می‌تواند ضدتورمی باشد، نه تورم‌زا.

در این شرایط افزایش معقول و هماهنگ حداقل دستمزد می‌تواند با حمایت از درآمد و تقاضای گروه‌های کم‌درآمد، به خروج اقتصاد از رکود کمک کند. در این حالت، اثر تقاضای محرک آن می‌تواند بر اثر احتمالی کاهش اشتغال غلبه کند. از سوی دیگر یکی از چالش‌های اساسی اقتصاد ایران، تورم بالا است. افزایش بی‌رویه حداقل دستمزد خطر افزایش تورم و بیکاری را دارد، زیرا اقتصاد ظرفیت خالی برای پاسخ به افزایش تقاضا بدون افزایش قیمت را ندارد (وجود تناقض آشکار).

راه‌حل پیشنهادی از منظر این نظریه: سیاست حداقل دستمزد در ایران باید همراه با سیاست‌های حمایتی از بنگاه‌های خرد و متوسط (مثل کاهش هزینه‌های مبادله، تسهیلات ارزان و بهبود فضای کسب‌وکار) و سیاست‌های کنترل تورم باشد تا اثر مثبت آن بر تقاضا، خنثی‌کننده اثر منفی احتمالی بر هزینه‌ها و اشتغال شود.

۲-۴. نظریه تورم ساختاری و عرضه محور: جایگاه واقعی دستمزد در تورم

نظریه‌های تورم ساختاری بر این فرض استوارند که تورم در اقتصادهای در حال توسعه عمدتاً از ناحیه عرضه شکل می‌گیرد، نه تقاضا. عوامل کلیدی شامل: نوسانات نرخ ارز، وابستگی وارداتی مواد اولیه، انحصار در زنجیره تولید و ناکارآمدی زیرساخت‌ها و انرژی هستند. نظریه تورم ساختاری تورم را نتیجه گلوگاه‌های نهادی، وابستگی وارداتی، نوسانات ارزی و انحصار می‌داند. در این چارچوب، افزایش قیمت‌ها الزاماً نتیجه افزایش تقاضا یا دستمزد نیست. در ایران، بررسی داده‌های تاریخی نشان می‌دهد جهش‌های تورمی هم‌زمان با شوک‌های ارزی رخ داده‌اند. افزایش دستمزد غالباً پس‌نگر و واکنشی به تورم بوده است؛ لذا، دستمزد در ایران بیشتر «قربانی تورم» است تا «عامل تورم». ضمن آنکه باید توجه داشت، مهار دستمزد بدون مهار شوک‌های ساختاری، تنها منجر به کاهش رفاه خانوارها می‌شود.

۲-۵. نظریه دستمزد معیشتی: گذار از حداقل بقا به حداقل کرامت

نظریه دستمزد معیشتی (Living Wage) بر این اصل استوار است که حداقل دستمزد باید امکان تأمین یک زندگی شرافتمندانه (شامل تغذیه مناسب، مسکن ایمن، آموزش، بهداشت و مشارکت اجتماعی) را برای کارگر و خانواده‌اش فراهم کند. در این رویکرد، معیار تعیین دستمزد نه بازار، بلکه سبد واقعی هزینه زندگی است. ویژگی متمایز این نظریه، اتکا به داده‌های واقعی هزینه زندگی، توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای و پیوند با کرامت انسانی و بهره‌وری بلندمدت است.

سازمان بین‌المللی کار (ILO) با تدوین اصول مشخص برای برآورد دستمزد معیشتی، این مفهوم را از یک شعار اخلاقی به یک چارچوب سیاستی قابل محاسبه تبدیل کرده است. تأکید بر شفافیت داده، مشارکت ذی‌نفعان و تعدیل منطقه‌ای، این نظریه را به‌ویژه برای کشورهایی با ناهمگونی جغرافیایی (مانند ایران) مناسب می‌سازد.

۲-۶. مدل مفهومی تحلیل رابطه دستمزد، معیشت، تولید و تورم در اقتصاد ایران

بررسی ادبیات نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد که رابطه میان حداقل دستمزد، تورم و تولید خطی، تک‌کاناله و ایستا نیست. آثار تغییر دستمزد به‌طور هم‌زمان از کانال‌های مختلف و گاه متعارض عمل می‌کند و شدت اثر هر کانال به ساختار اقتصاد، شرایط چرخه‌ای و شوک‌های بیرونی بستگی دارد. از این رو، مدل مفهومی این گزارش باهدف تلفیق چهار رویکرد اصلی: ۱. کانال هزینه تولید (نئوکلاسیک)، ۲. کانال بهره‌وری نیروی کار (دستمزد کارایی)، ۳. کانال تقاضای کل (کینزی)، ۴. کانال تورم ساختاری و ارزی طراحی شده است. هم‌زمان، مفهوم دستمزد معیشتی به‌عنوان قید نهادی و اجتماعی مدل لحاظ شده است.

شکل (۱) چارچوب مفهومی اثرگذاری حداقل دستمزد بر متغیرهای کلیدی بخش صنعت را نشان می‌دهد.

در این چارچوب، دستمزد از دو کانال اصلی بر تولید صنعتی اثر می‌گذارد:

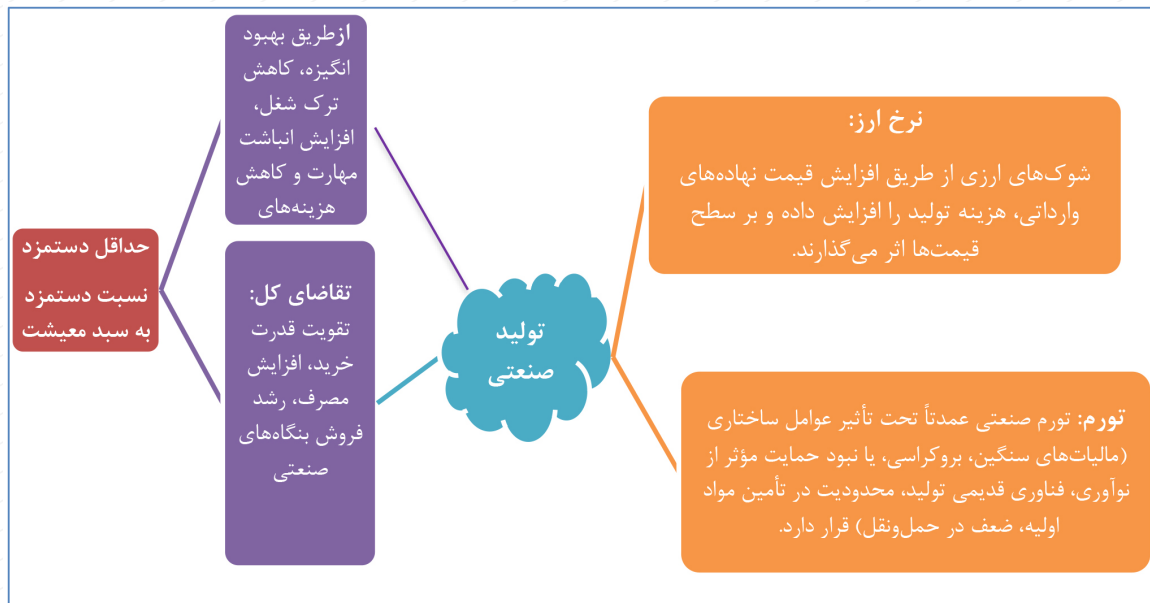


تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

۱. **کانال بهره‌وری نیروی کار:** افزایش دستمزد واقعی می‌تواند از طریق بهبود انگیزه، کاهش ترک شغل، افزایش انباشت مهارت و کاهش هزینه‌های نظارت، بهره‌وری نیروی کار را ارتقا دهد. افزایش بهره‌وری، هزینه متوسط تولید را کاهش داده و به بهبود عملکرد تولید صنعتی منجر می‌شود. این کانال مبتنی بر نظریه دستمزد کارایی است و به‌ویژه در صنایع با وابستگی بالا به مهارت نیروی انسانی اهمیت دارد^۱.

۲. **کانال تقاضای مؤثر:** دستمزد همچنین به‌عنوان منبع اصلی درآمد خانوارهای کارگری، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تقاضای کل دارد. افزایش دستمزد واقعی، قدرت خرید را تقویت کرده و از طریق افزایش مصرف، فروش بنگاه‌های صنعتی را بالا می‌برد. این اثر به‌ویژه در صنایعی که وابستگی بالایی به بازار داخلی دارند، می‌تواند به افزایش تولید و ظرفیت‌سازی منجر شود^۲.

در مقابل، اثر دستمزد بر تورم مستقیم و غالب در نظر گرفته نشده است. در چارچوب اقتصاد ایران، نرخ ارز به‌عنوان متغیر برون‌زا و مسلط، نقش اصلی را در شکل‌دهی به تورم تولیدکننده ایفا می‌کند. شوک‌های ارزی از طریق افزایش قیمت نهاده‌های وارداتی، هزینه تولید را افزایش داده و بر سطح قیمت‌ها اثر می‌گذارند؛ درحالی‌که سهم دستمزد در ساختار هزینه بسیاری از صنایع محدود است^۳.



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۱. مدل مفهومی تحلیل رابطه دستمزد، معیشت، تولید و تورم در اقتصاد ایران

1. Akerlof, G. & Yellen, J. (1986), Efficiency Wage Models of the Labor Market.
 2. ILO (2022), Global Wage Report.
 3. World Bank (2023), Iran Economic Monitor.



در کل، این چارچوب نشان می‌دهد که رابطه میان حداقل دستمزد، تولید و تورم خطی و تک‌کاناله نیست. دستمزد می‌تواند هم‌زمان از مسیر بهره‌وری و تقاضا، اثر مثبت بر تولید صنعتی داشته باشد، در حالی که تورم صنعتی عمدتاً تحت تأثیر عوامل ساختاری و ارزی قرار دارد؛ بنابراین، نسبت دادن تورم تولید به افزایش حداقل دستمزد، بدون لحاظ کانال‌های مذکور، ساده‌سازی مفرط و فاقد پشتوانه تحلیلی است.^۱

۳. پیشینه مطالعات تجربی داخلی و خارجی

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۲۳ در گزارشی با عنوان «دستمزد معیشتی در عمل: تحلیل تطبیقی برای کشورهای OECD» به بررسی ضرورت بازنگری در نظام‌های پرداخت، تحلیل تنوع متدولوژی‌های محاسبه مزد معیشتی و نقش این شاخص در بهبود استانداردهای زندگی کارگران پرداخته است. این گزارش از روش توصیفی-تحلیلی و با مرور سیاست‌های جاری در کشورهای عضو OECD، به بررسی اسناد بالادستی و تحلیل داده‌های مربوط به تورم و چانه‌زنی‌های جمعی پرداخته تا چالش‌های عملیاتی کردن مفهوم مزد معیشتی را واکاوی کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به دلیل افزایش هزینه‌های کالاهای اساسی و کاهش پوشش قراردادهای دسته‌جمعی، حداقل دستمزدهای قانونی در بسیاری از کشورها دیگر کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد و این موضوع باعث شده است که «دستمزد معیشتی» به عنوان یک ابزار داوطلبانه برای تعیین هنجارهای پرداخت منصفانه دوباره مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، این گزارش نشان می‌دهد که تنوع زیاد در روش‌های محاسبه می‌تواند به اعتبار مفهوم مزد معیشتی لطمه بزند، مگر آنکه مفروضات و معیارهای محاسباتی به طور کاملاً شفاف بیان شوند. گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که مزد معیشتی به تنهایی راهکار نهایی برای رفع فقر شاغلین نیست، زیرا فقر اغلب ناشی از «کم‌اشتغالی» است تا صرفاً دستمزد پایین؛ با این حال، این شاخص اطلاعات ارزشمندی درباره هزینه‌های واقعی زندگی ارائه می‌دهد که می‌تواند در فرآیندهای تعیین مزد توسط شرکت‌ها و شرکای اجتماعی گنجانده شود. نویسندگان توصیه می‌کنند که برای افزایش اعتبار این مفهوم، شفافیت در مفروضات و معیارهای محاسباتی ضروری است و نهادهای آماری ملی باید نقش فعال‌تری در ارائه داده‌های دقیق مربوط به هزینه زندگی ایفا کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران از مدل‌های منعطف‌تر که تفاوت‌های محلی و منطقه‌ای را در نظر می‌گیرند برای تعیین سطوح دستمزد استفاده کنند تا از پدیده «فقر در حین اشتغال» جلوگیری شود.

سارا لemos^۲ در مقاله «اثر حداقل دستمزد بر قیمت‌ها» که توسط مؤسسه مطالعات کار (IZA) منتشر شده، به بررسی چالش انتقال هزینه‌های ناشی از افزایش دستمزد به مصرف‌کنندگان در بازار برزیل پرداخته

1. OECD (2023), Living Wages in Practice.
2. Lemos, S. (2004).



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

است. وی در این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های اقتصادسنجی و مدل‌سازی تجربی، داده‌های ماهانه خانوارها و بنگاه‌های برزیلی را در بازه زمانی ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰ و در سطح منطقه‌ای تحلیل می‌کند تا مشخص سازد آیا افزایش حداقل دستمزد به فشارهای تورمی منجر می‌شود یا خیر.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش حداقل دستمزد اثری مثبت و معنادار بر سطح قیمت‌ها دارد، اما اندازه این اثر نسبتاً محدود است؛ به‌گونه‌ای که افزایش ۱۰ درصدی حداقل دستمزد تنها به رشد حدود ۰٫۱ درصدی قیمت‌های ماهانه و حداکثر ۱ درصدی تورم سالانه منجر می‌شود. براین اساس، نتیجه‌گیری می‌کند که برخلاف باورهای رایج درباره تورم‌زایی شدید سیاست‌های دستمزدی در کشورهای در حال توسعه، واکنش قیمت‌ها در اقتصاد برزیل به این سیاست‌ها نسبتاً ملایم است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از افزایش هزینه‌های نیروی کار از طریق افزایش قیمت‌ها به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود، نه از مسیر کاهش اشتغال. از این رو، مصرف‌کنندگان (که در بسیاری موارد خود از گروه‌های کم‌درآمد هستند) پرداخت‌کنندگان نهایی بخشی از هزینه‌های این سیاست حمایتی محسوب می‌شوند. بر همین اساس، توصیه می‌کند سیاست‌گذاران هنگام تعیین حداقل دستمزد، به ترکیب سبد مصرفی خانوارهای کم‌درآمد توجه ویژه داشته باشند؛ زیرا چنانچه کالاهای تولیدشده توسط نیروی کار حداقل‌بگیر سهم بالایی از مخارج این خانوارها را تشکیل دهد، افزایش حداقل دستمزد ممکن است از طریق اثرات قیمتی، به جای بهبود معیشت، به تضعیف رفاه آنان بینجامد.

علی نادری و همکاران در سال ۱۴۰۳ در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تعیین مزد کارگران و

راهکارهای اصلاحی آن با نگاهی به رویه قضایی دیوان عدالت اداری» به بررسی چالش‌های حقوقی و اجرایی ماده ۴۱ قانون کار، مکانیزم‌های تصمیم‌گیری در شورای عالی کار و نقد یکسان بودن ضوابط تعیین مزد برای تمامی گروه‌ها پرداخته‌اند. مطابق یافته‌های پژوهش، تعیین «حداقل مزد واحد ملی» بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های منطقه‌ای، سن کارگران و شرایط اختصاصی صنایع (مانند کارگاه‌های کوچک)، به یک سنت اشتباه تبدیل شده که نه تنها قدرت خرید کارگران را به طور عادلانه حفظ نکرده، بلکه باعث فشار مضاعف بر کارفرمایان و گسترش بخش غیررسمی اقتصاد شده است. در نهایت، این مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که رویه قضایی دیوان عدالت اداری در سال‌های اخیر بر ضرورت رعایت دقیق شاخص تورم و سبد معیشت تأکید داشته است، اما برای خروج از بن‌بست فعلی، انعطاف‌پذیری در قانون کار یک ضرورت انکارناپذیر است. نویسندگان توصیه می‌کنند که دولت و شورای عالی کار باید با استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود در مواد ۱۸۹، ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون کار، به سمت «مزد منطقه‌ای» و «مزد صنفی» حرکت کنند. همچنین پیشنهاد شده است که معیارهای تعیین مزد برای کارگران جوان و کارآموزان متفاوت از کارگران با سابقه باشد تا از این طریق، ضمن حمایت از حقوق بنیادین نیروی کار، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در مناطق محروم نیز تقویت گردد.



مهدی ساجدی و همکاران در سال ۱۳۹۸ در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «بررسی اثر حداقل دستمزد بر متغیرهای اقتصاد کلان ایران در چارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی» به واکاوی پیامدهای اقتصادی ناشی از تعدیل حداقل دستمزد بر اساس شاخص تورم، در حضور تکانه‌های عرضه، تقاضا و سیاست‌های مالی و پولی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که تکانه افزایش حداقل دستمزد، اگرچه باعث ارتقای سطح دستمزد کل می‌شود، اما در کوتاه‌مدت به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و چسبندگی قیمت‌ها، منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی، کاهش مصرف خصوصی و افت سرمایه‌گذاری می‌گردد. در نهایت، این مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که سیاست افزایش حداقل دستمزد در اقتصاد ایران واجد اثرات تورمی بوده و می‌تواند رکود در بخش تولید را تشدید کند، مگر آنکه با بهبود بهره‌وری همراه شود. نویسندگان نشان می‌دهند که واکنش متغیرهای کلان به این سیاست، بستگی شدیدی به ماهیت تکانه‌های وارده به اقتصاد دارد؛ لذا توصیه می‌کنند که سیاست‌گذاران از نگاه تک‌بعدی به مقوله دستمزد پرهیز نموده و هماهنگی میان سیاست‌های مزدی با سیاست‌های پولی و مالی را در اولویت قرار دهند. همچنین پیشنهاد شده است که برای خنثی‌سازی آثار منفی بر تولید، مشوق‌هایی جهت ارتقای بهره‌وری نیروی کار ساده در نظر گرفته شود تا افزایش مزد منجر به اخراج کارگران یا تعطیلی بنگاه‌های کوچک نشود.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۴۰۰ در گزارشی جامع با عنوان «پایش فقر در سال ۱۳۹۹» به بررسی وضعیت رفاه و معیشت مردم، تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی مؤثر بر فقر و برآورد دقیق خط فقر در سطوح ملی و استانی پرداخته است. نویسندگان در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های بودجه خانوار و آمارهای رسمی مرکز آمار ایران بهره گرفته‌اند تا تصویری شفاف از شکاف طبقاتی و اثرات بحران‌های اقتصادی (نظیر تورم و پاندمی کرونا) بر سفره خانوارها ارائه دهند. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که خط فقر متوسط کشوری در سال ۱۳۹۹ با رشد چشمگیر ۳۸ درصدی نسبت به سال قبل، به عدد یک میلیون و ۲۵۴ هزار تومان (سرانه) رسیده است که این موضوع ناشی از فشار هم‌زمان تورم مواد غذایی و رکود اقتصادی بوده است. در نهایت، این گزارش نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹ نه تنها جمعیت زیر خط فقر افزایش یافته، بلکه فاصله فقرا تا خط فقر (شکاف فقر) نیز عمیق‌تر شده است. این سند نتیجه می‌گیرد که اشتغال در بسیاری از بخش‌ها دیگر لزوماً به معنای خروج از فقر نیست و پدیده «شاغلین فقیر» به طور گسترده‌ای شیوع یافته است. وزارت رفاه توصیه می‌کند که دولت باید از سیاست‌های حمایتی عمومی و غیره‌دفاوند فاصله گرفته و با استفاده از پایگاه اطلاعات رفاهی ایرانیان، برنامه‌های حمایتی خود را بر اساس تفاوت‌های منطقه‌ای و هزینه‌های زندگی در استان‌های مختلف (به‌ویژه مسکن) بازطراحی کند تا از تعمیق بیشتر فقر و سوء تغذیه در دهک‌های پایین جلوگیری شود.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

فولادی مقدم در سال ۱۴۰۳ در گزارش راهبردی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «بررسی اشتغال و حداقل دستمزد از منظر فقر»، به واکاوی رابطه میان حداقل دریافتی کارگران و خط فقر، پدیده شاغلان فقیر و میزان اثرگذاری سیاست‌های دستمزدی بر دهک‌های مختلف درآمدی پرداخته است. نتایج این گزارش نشان می‌دهد که حداقل دستمزد در سال‌های اخیر به طور معناداری از تورم سبب معیشت و خط فقر عقب مانده و همین شکاف موجب شده است که اشتغال، دیگر لزوماً به معنای خروج از فقر نباشد؛ به‌گونه‌ای که کاهش شدید ارزش حقیقی دستمزدها، کارکرد اصلی آن‌ها در تأمین حداقل معیشت را تضعیف کرده است. بر اساس یافته‌های این گزارش، سیاست حداقل دستمزد در ایران بیش از آنکه ابزار مؤثری برای خروج فقرای مطلق از فقر باشد، عمدتاً نقشی پیشگیرانه ایفا می‌کند و مانع سقوط «غیرفقرای نزدیک به خط فقر» به زیر آستانه فقر می‌شود. در مجموع، پایین بودن سطح واقعی دستمزدها یکی از عوامل کلیدی کاهش نرخ مشارکت اقتصادی در ایران است و بر این اساس ضروری است در سال‌های آتی، دولت به سمت ترمیم دستمزدها در سطحی بالاتر از نرخ تورم حرکت کند. این گزارش تأکید می‌کند که ترمیم مؤثر حقوق و دستمزدها نه تنها موجب افزایش انگیزه برای اشتغال رسمی و تقویت تقاضای داخلی می‌شود، بلکه می‌تواند به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی عمل کرده و بازگشت به فلسفه اصلی حداقل دستمزد (یعنی تأمین یک زندگی شایسته برای نیروی کار) را ممکن سازد. از این منظر، اصلاح سیاست‌های دستمزدی نه یک انتخاب اختیاری، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در چارچوب سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی کشور تلقی می‌شود.

سلیمانی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان «محاسبه حداقل دستمزد در سازمان‌ها با بررسی تطبیقی نظام پرداخت در ایران»، به بررسی چالش‌های نظام پرداخت، معیارهای تعیین حداقل دستمزد و جایگاه ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نظام پرداخت در ایران بیش از آنکه بر اصول بهره‌وری، شایسته‌سالاری و عملکردمحوری استوار باشد، متأثر از ساختارهای سنتی و فرآیندهای چانه‌زنی غیرفنی است. این وضعیت، به کاهش انگیزه نیروی کار، تضعیف رضایت شغلی و افت بهره‌وری سازمانی منجر شده است. افزون بر این، نتایج مقاله حاکی از آن است که عدم انطباق حداقل دستمزد با واقعیت‌های اقتصادی و نرخ تورم، زمینه‌ساز خروج نیروهای متخصص از سازمان‌های رسمی و گرایش آنان به مشاغل غیررسمی و کاذب شده است. در نهایت، اصلاح نظام پرداخت در ایران مستلزم عبور از الگوهای خطی و سنتی تعیین مزد و حرکت به سوی مدل‌های نوین مدیریت منابع انسانی است. از این رو، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها و شورای عالی کار با الگوبرداری از تجربه کشورهای موفق، سازوکارهای «مزد منعطف» و «ارزیابی نظام مند مشاغل» را جایگزین رویه‌های فعلی کنند تا تعادلی پایدار میان تأمین معیشت نیروی کار، ارتقای بهره‌وری و پایداری مالی بنگاه‌های اقتصادی برقرار شود.





فرهادی پور در سال ۱۳۹۷ در گزارش کارشناسی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی با عنوان «پیشنهاد الگو و روش تعیین حداقل دستمزد با رویکرد منطقه‌ای در ایران» به بررسی ناکارآمدی تعیین حداقل مزد واحد ملی، تحلیل ارتباط میان جغرافیا و هزینه‌های زندگی و اثرات تفاوت‌های منطقه‌ای بر الگوی فضایی فعالیت‌های اقتصادی پرداخته است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که به دلیل تفاوت فاحش قیمت‌ها (به‌ویژه در بخش مسکن) بین استان‌های مختلف، حداقل مزد واحد ملی باعث کاهش رفاه در کلان‌شهرها و خروج سرمایه از مناطق محروم شده است. در نهایت، این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که استقرار نظام مزد منطقه‌ای نه تنها یک ضرورت اقتصادی برای حفظ قدرت خرید کارگران است، بلکه ابزاری استراتژیک برای توسعه متوازن کشور محسوب می‌شود. نویسنده نشان می‌دهد که اجرای این سیاست می‌تواند به شفافیت بیشتر در بازار کار و کاهش نرخ بیکاری در مناطق با بهره‌وری پایین کمک کند. وی توصیه می‌کند که شورای عالی کار باید با تغییر رویکرد از «مزد ملی» به «مزد استانی/ منطقه‌ای»، از شاخص‌های هزینه زندگی محلی و نرخ مشارکت هر منطقه به عنوان مبنای اصلی تعیین دستمزد استفاده کند تا عدالت دستمزدی در سراسر جغرافیای ایران محقق شود.

ریچارد انکر و مارتا انکر^۱ در سال ۲۰۱۷ در کتاب و کتابچه راهنمای خود با عنوان «مرور متدولوژی دستمزد معیشتی انکر» به بررسی چالش‌های تعیین دستمزد در کشورهای در حال توسعه، نقد متدولوژی‌های سنتی و ارائه یک چارچوب نوین برای محاسبه دستمزدی که ضامن یک زندگی شایسته باشد، پرداخته‌اند. در این پژوهش از روش ترکیبی^۲ با استفاده از پیمایش‌های میدانی سریع^۳ و داده‌های ثانویه آماری (نظیر نرخ مشارکت نیروی کار و داده‌های قیمت مصرف‌کننده) استفاده شده است تا مدلی دقیق و شفاف برای برآورد هزینه‌های واقعی زندگی ارائه دهند. مطابق یافته‌های مطالعه، استفاده از استانداردهای هنجاری (مانند رژیم غذایی پیشنهادی سازمان بهداشت جهانی) در کنار داده‌های محلی، منجر به برآوردهایی می‌شود که بسیار واقع‌بینانه‌تر از حداقل دستمزدهای قانونی هستند و می‌توانند شکاف میان فقر و رفاه را به درستی شناسایی کنند. در نهایت، این سند نشان می‌دهد که دستمزد معیشتی نباید تنها یک عدد انتزاعی باشد، بلکه باید بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک هر منطقه (مانند بعد خانوار مرجع و تعداد نان‌آوران) شخصی‌سازی شود. از سوی دیگر شفافیت در مفروضات محاسباتی، کلید پذیرش این دستمزدها توسط کارفرمایان و ذینفعان است. بنابراین آنها توصیه می‌کنند که سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های فعال در زنجیره تأمین جهانی، متدولوژی انکر را به دلیل دقت در تفکیک هزینه‌های خوراک، مسکن و نیازهای اساسی غیرخوراکی به کار گیرند تا از پایداری معیشت کارگران و حذف پدیده فقر شاغلین در مناطق محروم اطمینان حاصل کنند.

1. Anker, R., & Anker, M. (2017).

2. Mixed Methods

3. Rapid Assessment.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

مالته لوبکر و تورستن شولتن^۱ در سال ۲۰۲۵ در گزارش مؤسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی (WSI) با عنوان «تغییر جهت سیاست‌های حداقل دستمزد منجر به افزایش واقعی می‌شود» به بررسی تحولات حداقل دستمزد در کشورهای اروپایی، تأثیر دستورالعمل جدید اتحادیه اروپا بر قدرت خرید کارگران و تحلیل شاخص‌های کفایت دستمزد پرداخته‌اند. یافته‌های گزارش نشان می‌دهد که علیرغم فشارهای تورمی سال‌های گذشته، در سال ۲۰۲۵ اکثر کشورهای اروپایی موفق شده‌اند با افزایش‌های اسمی فراتر از نرخ تورم، قدرت خرید واقعی کارگران کم‌درآمد را به طور معناداری ارتقا دهند. در نهایت، گزارش نشان می‌دهد که اجرای «دستورالعمل حداقل دستمزد اتحادیه اروپا» به‌عنوان یک نقطه عطف، باعث شده است که اکثر کشورها به سمت معیارهای مرجع بین‌المللی یعنی ۶۰ درصد میان‌دستمزد یا ۵۰ درصد متوسط دستمزد حرکت کنند. این سند نتیجه می‌گیرد که این تغییر جهت سیاست‌گذاری، از تبدیل شدن حداقل دستمزد به یک ابزار صرفاً اقتصادی به سمت یک ابزار حمایت اجتماعی مؤثر برای تأمین زندگی شایسته جلوگیری کرده است. نویسندگان توصیه می‌کنند که کشورهایی مانند آلمان برای هم‌راستا شدن با استانداردهای کفایت اتحادیه اروپا، همچنان نیازمند اصلاحات ساختاری و افزایش‌های پله‌ای در حداقل مزد هستند؛ همچنین تأکید می‌کنند که تقویت پیمان‌های دسته‌جمعی و چانه‌زنی‌های گروهی باید به‌عنوان مکمل اصلی سیاست‌های دستمزدی در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد.

سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سال ۲۰۲۵ در گزارش فنی و راهنمای خود با عنوان «متدولوژی تخمین نیازهای کارگران و خانواده‌های آن‌ها برای تعیین دستمزد، از جمله دستمزدهای معیشتی» به بررسی اصول علمی و معیارهای عملیاتی برای محاسبه هزینه‌های زندگی و تعیین سطوح دستمزد شایسته پرداخته است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که تخمین دقیق نیازها مستلزم در نظر گرفتن سبد کالای متنوع (خوراک، مسکن، بهداشت و آموزش)، تعیین ابعاد خانواده مرجع و محاسبه سهم نان‌آوران بر اساس واقعیت‌های دموگرافیک هر منطقه است. مطابق نتایج گزارش، دستمزد معیشتی یک مفهوم پویا است که باید بر اساس شواهد عینی و با مشارکت فعال شرکای اجتماعی (دولت، کارفرما و کارگر) در فرآیند چانه‌زنی‌های جمعی گنجانده شود. این سند نشان می‌دهد که تعیین مزد بر پایه نیازها، نه تنها یک ضرورت حقوق بشری برای کاهش فقر است، بلکه به پایداری اقتصادی و بهره‌وری بنگاه‌ها نیز کمک می‌کند. سازمان بین‌المللی کار توصیه می‌کند که دولت‌ها و نهادهای ذیربط با تقویت زیرساخت‌های آماری و شفاف‌سازی روش‌های محاسبه، از این متدولوژی برای تنظیم حداقل دستمزدهای قانونی و ارتقای استانداردهای کار شایسته استفاده کنند تا اطمینان حاصل شود که هیچ کارگری زیر خط فقر زندگی نمی‌کند.

1. Luebker, M., & Schulten, T. (2025).

ریچارد انکرو مارتا انکر^۱ در سال ۲۰۱۳ در گزارش در گزارش فنی خود با عنوان «رویکردی مشترک برای برآورد دستمزدهای معیشتی» به بررسی ضرورت ایجاد یک استاندارد واحد جهانی برای تعریف و محاسبه مزد معیشتی و نقد رویکردهای پراکنده قبلی پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم نبود یک متدولوژی مورد اتفاق در گذشته، اکنون اجماع علمی بر سر تعریف مزد معیشتی به عنوان درآمدی که هزینه‌های خوراک، مسکن، آموزش، بهداشت و سایر نیازهای اساسی را پوشش دهد، حاصل شده است. در نهایت، این مقاله نشان می‌دهد که مشارکت ذینفعان محلی از جمله اتحادیه‌ها و کارفرمایان در فرآیند جمع‌آوری داده‌های میدانی (مانند قیمت‌های محلی مسکن و غذا)، کلید مشروعیت‌بخشی به برآوردهای دستمزد است. نویسندگان نتیجه‌گیری می‌کنند که استفاده از این روش علمی، بهانه نبود معیار برای نادیده گرفتن حقوق کارگران را از بین می‌برد و توصیه می‌کنند که سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های بزرگ، این الگورا برای تضمین معیشت شایسته کارگران در زنجیره‌های تأمین خود به کار بگیرند. همچنین تأکید شده است که در محاسبه نهایی، حتماً باید مالیات‌ها و کسورات قانونی لحاظ شود تا مبلغ ناخالص مزد به‌گونه‌ای باشد که پس از کسر مخارج دولتی، نیازهای واقعی خانوار را تأمین کند.

کبیر داوانی و همکاران^۲ (شامل ریچارد و مارتا انکر) در سال ۲۰۱۹ در دستورالعمل اجرایی خود با عنوان «به‌روزرسانی برآوردهای دستمزد معیشتی متدولوژی انکر: مسائل روش‌شناختی و دستورالعمل‌ها» به بررسی چالش‌های حفظ ارزش واقعی دستمزدهای محاسبه‌شده در طول زمان، تحلیل اثرات تورم بر هزینه‌های زندگی و ارائه استانداردهای فنی برای تعدیل سالانه داده‌ها پرداخته‌اند. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که استفاده صرف از شاخص تورم مصرف‌کننده کل^۳ ممکن است به دلیل تفاوت نرخ تورم خوراکی و غیرخوراکی، دقت برآوردها را کاهش دهد؛ لذا توصیه می‌شود از شاخص‌های تفکیکی متناسب با سبد هزینه‌ای فقرا استفاده شود. در نهایت، این راهنما نشان می‌دهد که دستمزد معیشتی یک عدد ایستا نیست و برای حفظ کارایی خود در زنجیره تأمین، باید به صورت دوره‌ای نسبت به تغییرات قدرت خرید و کسورات قانونی (مالیات و بیمه) بازنگری شود. نویسندگان نتیجه‌گیری می‌کنند که شفافیت در ذکر منابع داده‌های تورمی و بازه‌های زمانی مورد محاسبه، برای حفظ اعتبار برآوردهای ائتلاف جهانی دستمزد معیشتی (GLWC) حیاتی است. آن‌ها توصیه می‌کنند که پژوهشگران و سازمان‌ها برای به‌روزرسانی مبالغ، حتماً تغییرات در قوانین مالیاتی را لحاظ کنند تا «مزد معیشتی ناخالص» به‌گونه‌ای تعدیل شود که «مزد معیشتی خالص» کارگر همواره با هزینه‌های واقعی معیشت همخوانی داشته باشد.

1. Anker, R., & Anker, M. (2013).

2. Dawani, K., Sayeed, A., Anker, R., & Anker, M. (2019).

3. General CPI



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

تورستن مولر^۱ در سال ۲۰۲۳ در گزارش سیاست‌گذاری مؤسسه سندیکای اروپایی (ETUI) با عنوان «تحولات حداقل دستمزد در سال ۲۰۲۲: مبارزه با بحران هزینه معیشت» به بررسی اثرات تورم بی‌سابقه بر قدرت خرید کارگران، تحلیل واکنش دولت‌های اروپایی به افزایش قیمت‌ها و نقش دستورات عمل جدید اتحادیه اروپا در تثبیت مزد شایسته پرداخته است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که علیرغم افزایش‌های اسمی قابل توجه در بسیاری از کشورها، تورم افسارگسیخته در سال ۲۰۲۲ باعث شده است که در نیمی از این کشورها، ارزش واقعی حداقل دستمزد کاهش یابد و کارگران با بحران معیشتی جدی مواجه شوند. در نهایت، این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که برای مقابله با بحران هزینه‌های زندگی، معیار «قدرت خرید» باید در اولویت اصلی سیاست‌های دستمزدی قرار گیرد. نویسندگان نشان می‌دهد که اجرای سریع دستورات عمل حداقل دستمزد اتحادیه اروپا (EU Directive) می‌تواند به عنوان یک چتر حمایتی، از سقوط استانداردهای زندگی کارگران جلوگیری کند. وی توصیه می‌کند که دولت‌ها باید فرآیند تعدیل مزد را منظم‌تر و سریع‌تر انجام دهند و با تقویت چانه‌زنی‌های جمعی و استفاده از شاخص‌های مرجع (مانند ۶۰٪ میانگین دستمزد)، اطمینان حاصل کنند که حداقل دستمزد نه تنها یک مبلغ نمادین، بلکه ابزاری واقعی برای تأمین نیازهای اساسی و حفظ کرامت انسانی کارگران در دوران بحران است.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) در سال ۲۰۲۲ در گزارش سیاست‌گذاری خود با عنوان «حداقل دستمزدها در دوران تورم فزاینده» به بررسی نقش حداقل دستمزد در حمایت از خانوارهای کم‌درآمد، چالش‌های ناشی از تورم بی‌سابقه چهار دهه اخیر و مکانیزم‌های تعدیل مزد در کشورهای عضو پرداخته است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که علیرغم افزایش‌های اسمی در بسیاری از کشورها، حداقل دستمزدها برای همگامی با تورم (به‌ویژه در بخش انرژی و خوراک) با دشواری جدی روبرو هستند و قدرت خرید واقعی کارگران در اکثر مناطق کاهش یافته است. در نهایت، این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند که در شرایط عدم قطعیت اقتصادی و کند شدن رشد تولید، حداقل دستمزد همچنان ابزاری حیاتی برای جلوگیری از تعمیق فقر است، اما نباید تنها ابزار حمایتی باشد. نویسندگان نشان می‌دهند که تعدیل منظم و به‌موقع دستمزدهای قانونی برای محافظت از فقرا ضروری است، اما توصیه می‌کنند که دولت‌ها باید از مزایای رفاهی هدفمند و اعتبارات مالیاتی به عنوان مکمل دستمزد استفاده کنند تا فشار هزینه بر بنگاه‌ها (به‌ویژه در بخش‌های حساس به هزینه کارگری) منجر به بیکاری نشود. همچنین تأکید شده است که تقویت قراردادهای دسته‌جمعی می‌تواند به یافتن راه‌حل‌های متوازن و متناسب با شرایط هر صنعت در دوران بحران معیشتی کمک کند.

1. Müller, T. (2023).

بطور کلی مطالعات بررسی شده نشان می‌دهد که ادبیات حداقل دستمزد و دستمزد معیشتی را می‌توان در سه محور مکمل اما متمایز طبقه‌بندی کرد: (۱) کفایت دستمزد و فقر شاغلان، (۲) آثار کلان اقتصادی و تورمی، (۳) متدولوژی و حکمرانی تعیین مزد. در محور نخست، گزارش‌های ILO، OECD، وزارت تعاون و مرکز پژوهش‌های مجلس به‌طور هم‌زمان تأکید دارند که حداقل دستمزدهای قانونی در بسیاری از کشورها از جمله ایران دیگر پاسخگوی هزینه‌های واقعی زندگی نیستند و پدیده «فقر در حین اشتغال» به یک مسئله ساختاری تبدیل شده است. در این مطالعات، دستمزد معیشتی نه به‌عنوان جایگزین سیاست‌های رفاهی، بلکه به‌عنوان شاخص اطلاعاتی و هنجاری برای ارزیابی کفایت مزد معرفی می‌شود.

در محور دوم، شواهد تجربی بین‌المللی (لموس، مطالعات اروپایی WSI و ETUI) نشان می‌دهد که اثر تورمی افزایش حداقل دستمزد مثبت اما محدود است و شدت آن به ساختار بازار، ترکیب سبد مصرفی فقرا و میزان انتقال هزینه‌ها به قیمت‌ها بستگی دارد. در مقابل، مطالعات مدل محور ایران (DSGE) نشان می‌دهد که در غیاب رشد بهره‌وری و سیاست‌های مکمل، افزایش حداقل دستمزد می‌تواند در کوتاه‌مدت به کاهش تولید و سرمایه‌گذاری منجر شود؛ این تفاوت نتایج، اهمیت شرایط نهادی و ساختاری اقتصاد ایران را برجسته می‌کند.

در محور سوم، اجماع روش‌شناختی مهمی در ادبیات اخیر شکل گرفته است. متدولوژی انکر (Anker) که در اسناد ILO، GLWC و گزارش‌های فنی به‌روزرسانی شده، به‌عنوان معتبرترین چارچوب محاسبه دستمزد معیشتی شناخته می‌شود. در عین حال، OECD و پژوهشگران داخلی هشدار می‌دهند که تنوع بیش از حد روش‌ها و عدم شفافیت مفروضات، می‌تواند مشروعیت این مفهوم را تضعیف کند. همچنین، مطالعات داخلی (نادری، فرهادی‌پور، فولادی مقدم) به‌طور مشخص بر ناکارآمدی «حداقل مزد واحد ملی» و ضرورت حرکت به سمت مزد منطقه‌ای، صنفی و منعطف تأکید دارند. جدول زیر مروری تطبیقی بر مهم‌ترین منابع و یافته‌ها در این حوزه ارائه می‌دهد

جدول ۱. مرور تطبیقی مطالعات و رویکردهای مزد معیشتی

منبع / سال	نوع مطالعه و روش	یافته‌ها و نکات کلیدی	پیام سیاستی مشخص برای ایران
OECD (2023)	مطالعه تطبیقی سیاست مزد در کشورهای عضو	حداقل دستمزدهای اسمی در بسیاری از کشورها قادر به تأمین هزینه‌های واقعی زندگی نیستند. نبود شفافیت در روش محاسبه، باعث بی‌اعتمادی اجتماعی و ناکارآمدی سیاست مزد شده است.	استفاده از «مزد معیشتی» به‌عنوان شاخص مرجع مذاکرات مزدی و شفاف‌سازی روش محاسبه برای افزایش مقبولیت اجتماعی



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

پیام سیاستی مشخص برای ایران	یافته‌ها و نکات کلیدی	نوع مطالعه و روش	منبع / سال
طراحی سیاست مزد بر مبنای داده‌های استانی و به‌روزرسانی سالانه سبد معیشت	مزد معیشتی یک عدد ثابت نیست و باید متناسب با منطقه، ساختار خانوار و تغییرات هزینه زندگی به‌طور منظم به‌روزرسانی شود. داده‌های محلی شرط اصلی اعتبار محاسبات است.	راهنمای متدولوژیک مبتنی بر داده‌های تجربی	ILO (2025)
امکان‌پذیری محاسبه علمی مزد معیشتی در ایران با استفاده از داده‌های رسمی	تعریف مزد معیشتی در سطح جهانی به اجماع رسیده و روش محاسبه آن در کشورهای درحال توسعه نیز عملیاتی شده است. این روش قابلیت بومی‌سازی دارد.	روش‌شناسی استاندارد جهانی (پیمایش + داده ثانویه)	Anker & Anker (2013, 2017)
امکان افزایش مزد بدون نگرانی از جهش تورمی شدید، در صورت مدیریت سایر عوامل تورم	افزایش حداقل دستمزد اثر تورمی دارد، اما این اثر محدود و کوتاه‌مدت است. نگرانی از تورم بالا اغلب بیش برآورد شده است.	تحلیل اقتصادسنجی اثر حداقل مزد	Lemus (IZA, 2004)
ضرورت هم‌زمانی سیاست مزد با حمایت از تولید و بهره‌وری	افزایش دستمزد بدون رشد بهره‌وری می‌تواند در کوتاه‌مدت فشار هزینه ایجاد کند، اما در صورت همراهی با سیاست‌های تولیدی، آثار منفی کاهش می‌یابد.	مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE)	Sajjadi et al. (2019)
حرکت تدریجی به سمت مزد منطقه‌ای یا مزد صنفی	حداقل دستمزد واحد ملی تفاوت‌های هزینه زندگی و شرایط بازار کار را نادیده می‌گیرد و ناکارآمد است.	تحلیل حقوق کار و ساختار نهادی	نادری و همکاران (۱۴۰۳)
لزوم ترمیم دستمزد بیش از نرخ تورم رسمی	حداقل دستمزد در ایران به‌طور مزمین عقب‌تراز خط فقر حرکت کرده است. افزایش صرفاً معادل تورم، شکاف معیشتی را جبران نمی‌کند.	مطالعه تطبیقی مزد و فقر	فولادی‌مقدم (۱۴۰۳)
پیوند سیاست مزد با خط فقر استانی و هزینه واقعی زندگی	سهم شاغلان فقیر در حال افزایش است و خط فقر تفاوت استانی قابل توجهی دارد.	تحلیل داده‌های هزینه-درآمد خانوار	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۴۰۰)
توجیه اقتصادی مزد استانی	اختلاف هزینه زندگی میان استان‌ها بسیار بالاست و سیاست مزد یکنواخت به نابرابری منجر می‌شود.	تحلیل اقتصادی منطقه‌ای	فرهادی‌پور (۱۳۹۷)
استفاده از نسبت مزد به میانه دستمزد به عنوان معیار مکمل سیاست مزد	کشورهای اروپایی به سمت تعیین حداقل مزد معادل حداقل ۶۰٪ میانه دستمزد حرکت کرده‌اند تا از فقر شاغلان جلوگیری شود.	مطالعات تطبیقی بازار کار اروپا	ETUI / WSI (۲۰۲۳-۲۰۲۵)

مأخذ: یافته‌های پژوهش.



این نتایج، مبنای نظری و تجربی لازم برای ورود به بخش‌های بعدی گزارش، یعنی طراحی چارچوب بومی محاسبه سبد معیشت و شکاف مزدی در ایران را فراهم می‌کند. لذا، مرور نظام‌مند مطالعات داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که مسئله اصلی در ایران نه صرفاً «سطح حداقل دستمزد»، بلکه فقدان یک چارچوب شفاف، منطقه‌محور و مبتنی بر هزینه‌های واقعی زندگی برای تعیین مزد است. براین اساس، بخش‌های بعدی به طراحی گام‌به‌گام سبد معیشت خانوار کارگری در ایران و برآورد شکاف آن با حداقل دستمزد موجود اختصاص می‌یابد.

۴. تحولات حداقل دستمزد در ایران و کشورهای منتخب

بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، نرخ تورم یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد نیروی کار است؛ لذا ضروری است روند گذشته مقایسه‌ای بین نرخ تورم و رشد حداقل دستمزد مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نمودار زیر، تحولات رشد دستمزد واقعی را می‌توان به چهار دوره زیر تقسیم‌بندی کرد:

دوره اول (۱۳۸۹-۱۳۸۰): در دهه هشتاد دستمزد حقیقی با روند مثبت رشد همراه بوده است؛

دوره دوم (۱۳۹۳-۱۳۹۰): این دوره که مصادف با دور اول تحریم‌های بین‌المللی است به دلیل پیش گرفتن تورم از رشد دستمزد، دستمزد حقیقی با روند نزولی مواجه بوده است؛

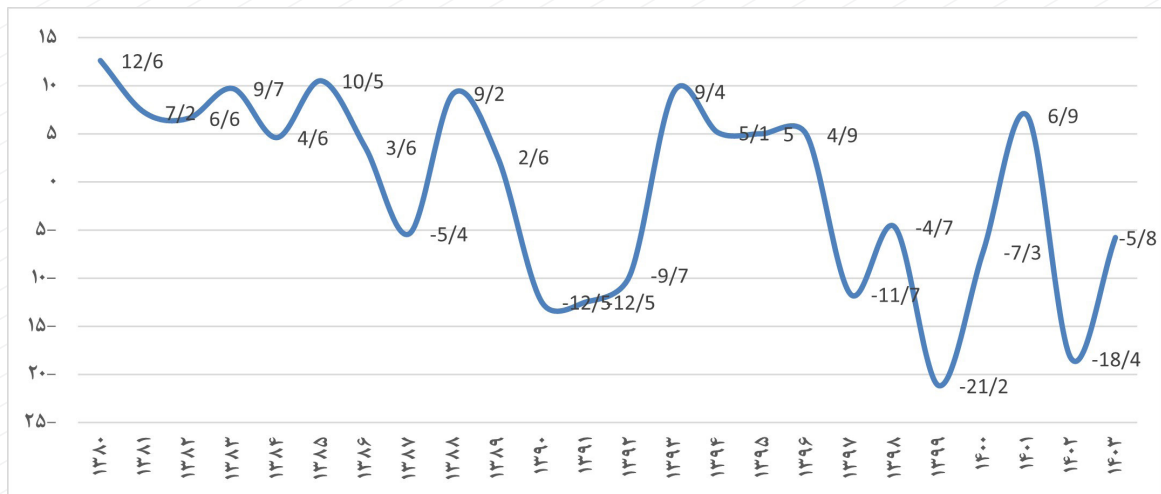
دوره سوم (۱۳۹۶-۱۳۹۴): با فروکش کردن اثر تحریم‌ها و علامت مثبت به بازار مبنی برگشایش‌های بین‌المللی در آینده نزدیک، روند تورم نزولی شد و بالعکس رشد دستمزدهای اسمی فراتر از تورم افزایش یافت و کاهش دور اول در این دوره جبران شد؛

دوره چهارم (۱۴۰۴-۱۳۹۷): با خروج آمریکا از برجام و افزایش نااطمینانی‌ها و شروع روند صعودی نرخ ارز، اوج گیری تورم از سال ۱۳۹۷، رشد دستمزد حقیقی به شکل نوسانی، یکی در میان رفتار زیگزاکی داشته است.

این شکل نشان می‌دهد که قدرت خرید حداقل دستمزد مصوب، از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ حدود ۱۱ درصد کاهش یافته است و با در نظر گرفتن سال ۱۴۰۴ این رقم به حدود ۱۰ درصد رسیده است.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد



ماخذ: بانک مرکزی

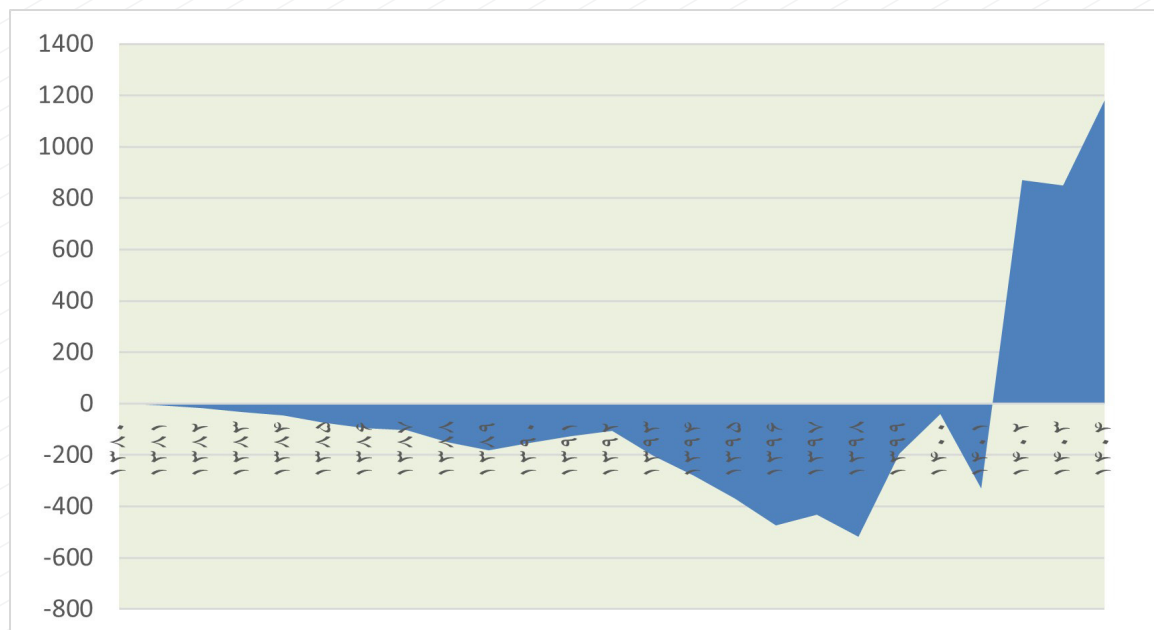
نمودار ۱. رشد حداقل دستمزد واقعی (۱۳۸۰-۱۴۰۳)

شکاف بین دستمزد اسمی^۱ و نرخ تورم که تا سال ۱۴۰۱ به نفع دستمزد اسمی بوده است، از سال ۱۴۰۲ با تغییر روند و پیش گرفتن تورم از دستمزدهای اسمی، شکاف بین دستمزد اسمی و تورم به زیان دستمزد اسمی بیشتر شده است (نمودار ۲). این روند نشان می‌دهد که حداقل دستمزد نمی‌تواند در شرایط جاری تامین‌کننده رفاه حداقل بگیران باشد و بشدت قدرت خرید آنان را کاهش می‌دهد. بنابراین استمرار سیاست افزایش محدود اسمی حداقل دستمزد در محیط تورمی بالا، نه تنها موجب جبران کاهش رفاه نیروی کار نمی‌شود، بلکه به طور ساختاری، فرسایش قدرت خرید را تشدید کرده و زمینه تعمیق رکود تقاضا در اقتصاد را فراهم می‌سازد.

بررسی قدرت خرید مصرف‌کنندگان بر اساس تعداد نان (با در نظر گرفتن قیمت مصوب نان بربری)
 نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۳ با حداقل دستمزد، امکان خرید ۳۹۶۰ قرص نان وجود داشت؛ این در حالی است که در سال ۱۴۰۴، این تعداد به ۲۸۶۰ قرص نان کاهش یافته است که بیانگر افت ۲۸ درصدی قدرت خرید می‌باشد.

۱. برای محاسبه شکاف بین تورم و حداقل دستمزد اسمی، مقدار این دو متغیر را برای سال ۱۳۸۹ معادل ۱۰۰ در نظر می‌گیریم و براساس رشد سالانه آنها، شاخص تورم و شاخص دستمزد اسمی را محاسبه می‌کنیم. بنابراین در سال ۱۳۸۹، شکاف برابر صفر و در سال ۱۴۰۴ معادل ۱۱۸۰ می‌شود.





نمودار ۲. شکاف بین تورم و دستمزد اسمی ۱۴۰۴-۱۳۹۰ (۱۳۸۰=۱۰۰)

بر اساس محاسبات مبتنی بر ماتریس حسابداری اجتماعی، هر ۱ درصد کاهش در مصرف داخلی، به طور متوسط منجر به کاهش حدود ۱/۲ درصدی در تولید صنعتی می‌شود. این اثر نشان می‌دهد که سیاست‌های منجر به تضعیف تقاضای داخلی، به ویژه در شرایطی که صنعت کشور با محدودیت‌های سمت عرضه مانند نوسانات نرخ ارز، ناترازی انرژی و محدودیت‌های مالی مواجه است، می‌تواند به افت محسوس تولید صنعتی و تشدید رکود در بخش صنعت منجر شود. به بیان دیگر، فشار بر درآمد واقعی خانوارها از مسیر مصرف، به سرعت به بخش صنعت منتقل شده و اثر رکودی آن با ضریب بالا در تولید صنعتی بازتاب می‌یابد.

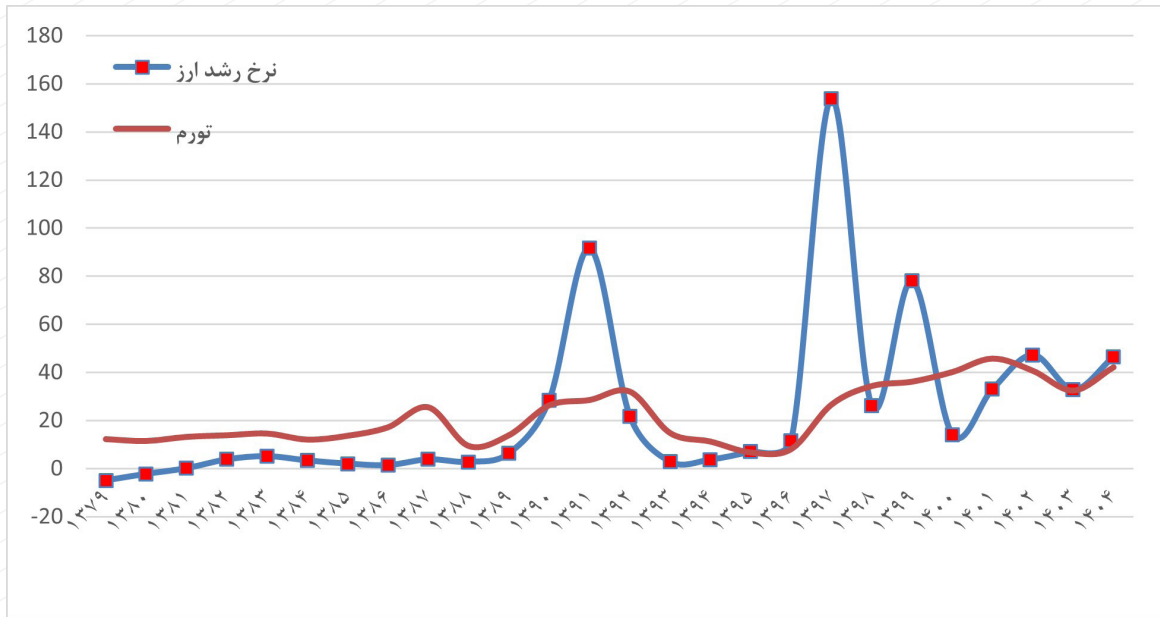
در سیاست افزایش حداقل دستمزد یکی از نگرانی‌های سیاست‌گذاران، تأثیر افزایش دستمزدها بر هزینه بنگاه‌ها و تورم است. در این ارتباط بررسی سهم هزینه دستمزد در هزینه بنگاه‌ها و ارتباط با آن تورم بسیار حائز اهمیت است.

در ساختار هزینه صنایع ایران، سهم دستمزد در بسیاری از بخش‌ها نسبت به مواد اولیه، انرژی و هزینه‌های مالی بسیار محدود است. شواهد تجربی نشان می‌دهد که جهش‌های تورمی عمدتاً هم‌زمان با شوک‌های ارزی رخ داده‌اند، نه افزایش‌های دستمزدی (مقایسه نمودار ۳ و ۴).

نمودار زیر روند تورم و رشد نرخ ارز بازار آزاد را برای دوره ۱۳۷۹ تا آذرماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد. محاسبه ضریب همبستگی (۵۴ درصد در کوتاه مدت و ۷۴ درصد در بلندمدت) میان این دو متغیر حاکی از آن است که ارتباط بالایی میان این دو متغیر وجود دارد.

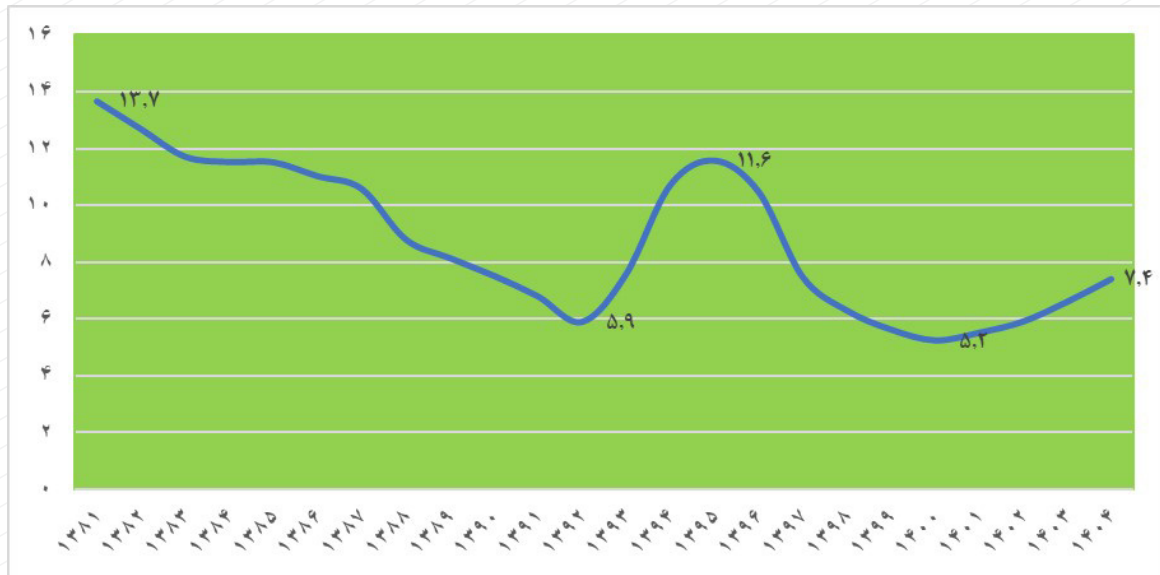


تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد



مأخذ: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی

نمودار ۳. روند نرخ تورم و نرخ رشد ارز بازار آزاد



مأخذ: مرکز آمار ایران و از سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ بر اساس متوسط چند شرکت نمونه آورده شده است.

نمودار ۴. روند سهم هزینه دستمزد از کل هزینه‌های فعالیتهای تولیدی

برای تبیین وضعیت حداقل دستمزد در ایران، مقایسه آن با کشورهای دیگر ضروری است. برای انجام این مقایسه از معیاری استفاده می‌شود که تفاوت هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف جهان را نیز در نظر می‌گیرد. براین اساس، شاخص‌ها بر پایه «برابری قدرت خرید» تعدیل می‌شوند و حداقل دستمزد نیز بر مبنای این معیار



محاسبه می‌گردد. همچنین، برای تعیین کشورهای هم‌تراز با ایران، از سرانه تولید ناخالص داخلی (بر حسب دلار و بر مبنای برابری قدرت خرید) به‌عنوان معیاری برای سطح توسعه‌یافتگی استفاده شده است.^۱

نتایج بررسی جدول (۱) نشان می‌دهد:

۱. کشورهایمانند مصر، اوکراین، برزیل و آذربایجان را می‌توان در یک رده‌بندی نزدیک به ایران قرار داد. حداقل دستمزد واقعی ایران (۶۱۵ دلار) از مصر (۸۸۰ دلار) و اوکراین (۷۴۰ دلار) به‌طور محسوسی پایین‌تر، اما از برزیل (۵۵۹ دلار) و آذربایجان (۶۵۵ دلار) در سطحی مشابه یا کمی پایین‌تر است. این نشان می‌دهد با وجود سطح درآمد سرانه نسبتاً مشابه، سیاست توزیعی و حمایت از نیروی کار در مصر و اوکراین قوی‌تر از ایران بوده است.

۲. شاخص عدالت توزیعی (نسبت حداقل دستمزد به سرانه تولید ناخالص): این شاخص نشان می‌دهد سهم یک کارگر با حداقل دستمزد از ثروت سالانه تولیدشده در کشور چقدر است. ایران با نسبت ۳٫۱ درصد در میلنه جدول قرار دارد. کشورهایمانند پاکستان (۹٫۱ درصد)، تونس (۳٫۷ درصد) و مصر (۴٫۶ درصد) سهم بالاتری را به کارگران حداقل دستمزد اختصاص می‌دهند. جالب‌تر آنکه قزاقستان، با وجود سرانه تولید ناخالص داخلی بسیار بالاتر از ایران (۴۰۸۹۰ دلار)، در حداقل دستمزد واقعی (۴۹۹ دلار) و شاخص عدالت توزیعی (۱٫۲ درصد) به‌مراتب پایین‌تری دارد که حکایت از نابرابری شدید در آن کشور می‌کند.

حداقل دستمزد اسمی ایران (۱۸۴ دلار) در مقایسه با حداقل دستمزد واقعی آن (۶۱۵ دلار)، نشان می‌دهد که قدرت خرید داخلی ریال تنها حدود ۳۰ درصد از ارزش اسمی آن بر حسب دلار است. این شکاف در کشورهای با ثبات اقتصادی مانند عربستان بسیار ناچیز است (۱۰۶۷ دلار اسمی در مقابل ۲۱۲۵ دلار واقعی، یعنی حدود ۵۰ درصد). ترکیه نیز با ۶۷۹ دلار اسمی در مقابل ۲۲۰۷ دلار واقعی (حدود ۳۰ درصد)، وضعیتی مشابه ایران دارد که نشان از مشکلات ارزی و تورمی در آن کشور است.

همچنین، داده‌ها حاکی از تحلیل رفتن تدریجی قدرت خرید قشر کم‌درآمد و گسترش نابرابری در ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورهای مورد بررسی است. این وضعیت در مقابل کشورهایمانند مصر (با رشد قوی و توزیع بهتر) یا ترکیه و عربستان (با سطح رفاه بالاتر) به‌وضوح قابل مشاهده است.

در مجموع ایران نه تنها در سطح حداقل دستمزد واقعی نسبت به بسیاری از هم‌ترازهای خود ضعیف عمل کرده، بلکه از نظر عدالت توزیعی نیز در جایگاه مناسبی قرار ندارد. به‌عبارت‌دیگر اقتصاد ایران به نیروی کار کم‌درآمد، سهم ناچیزی از تولید ناخالص داخلی را اختصاص می‌دهد.

۱. برای مقایسه، کشورهای مندرج در جدول (۱) بر اساس دو معیار سرانه تولید ناخالص داخلی مشابه ایران و کشورهای همسایه، انتخاب شده‌اند.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

جدول ۲. حداقل دستمزد ماهانه در ایران و کشورهای منتخب

کشور	سرنانه تولید ناخالص داخلی (سالانه) به دلار (برابری قدرت خرید)			حداقل دستمزد به دلار (برابری قدرت خرید)	
	۲۰۲۳	۲۰۲۴	۲۰۲۳	۲۰۲۴	رشد ۲۰۲۴ نسبت به ۲۰۲۳
عربستان	۷۱۳۷۵	۲۱۲۵	۲,۰۹۹	۱,۰۶۷	۰
ترکیه	۴۵۶۳۹	۲۲۰۷	۱,۸۳۷	۶۷۹	۲۰
اندونزی	۱۶۴۴۸	۹۸۶	۹۵۳	۳۲۹	۲
ویتنام	۱۶۳۸۵	۶۹۳	۶۵۸	۲۰۸	۶
آذربایجان	۲۵۰۸۹	۶۵۵	۶۴۹	۲۰۳	۰
اوکراین	۱۸۵۵۰	۷۴۰	۶۴۱	۱۹۰	۴
مصر	۱۹۰۹۴	۸۸۰	۶۲۷	۱۹۴	۳۶
ایران ^۱	۱۹۸۷۴	۶۱۵	۵۹۹	۱۸۴	۳
آفریقای جنوبی	۱۵۴۵۶	۶۲۰	۵۸۰	۲۶۲	۱۰
پاکستان	۶۲۵۲	۵۷۰	۵۴۰	۱۳۱	۱۵
برزیل	۲۲۳۳۸	۵۵۹	۵۲۳	۲۹۱	۱۱
تونس	۱۴۵۲۱	۵۳۸	۵۰۰	۱۶۰	۸
ارمنستان	۲۲۸۲۳	۴۵۰	۴۶۴	۱۸۵	-۳
قزاقستان	۴۰۸۹۰	۴۹۹	۴۱۹	۱۸۷	۲۲

منبع: سازمان بین‌المللی کار برای دستمزد- ۲۰۲۶ (<https://ilostat.ilo.org/topics/wages>) و بانک جهانی برای درآمد سرنانه

تجربه کشورها در حداقل دستمزد و مزد معیشتی:

در گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ تاکید شده است که:

➤ در کشورهایی که مذاکرات جمعی قویتر و پوشش گسترده‌تری دارند، فاصله بین حداقل دستمزد و دستمزد معیشتی کمتر است.

۱. حداقل دستمزد سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) درج شده برای ایران (۱۲۶۴ دلار) با نرخ دلار ۴۲۰۰۰ ریال محاسبه شده که ایراد دارد. لذا این شاخص برای ایران از روش تقسیم حداقل دستمزد ریالی ایران در سال ۱۴۰۲ (۷۳۰۸۲۸۴۰ ریال) بر دلار نیمایی متوسط سال ۱۴۰۲ (معادل ۴۰۸۰۰۰ ریال) محاسبه شده است. برای سال ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نیز بر اساس همین روش محاسبه شده است.

2. OECD (2023)



- کشورهایی مانند فنلاند، سوئد، اتریش و ایتالیا که حداقل دستمزد قانونی ندارند، اما پوشش مذاکرات جمعی بالایی دارند، معمولاً دستمزدهای پایه نزدیکتری به سطح معیشتی دارند.
- در مقابل، در کشورهایی مانند مکزیک، آمریکا و برخی کشورهای اروپای شرقی که نهادهای مذاکره جمعی ضعیفتر هستند، فاصله بین حداقل دستمزد و دستمزد معیشتی بیشتر است.

گزارش نشان می‌دهد که حداقل دستمزد به تنهایی نمی‌تواند فقر در بین شاغلان را از بین ببرد، زیرا فقر خانوار فقط به سطح دستمزد ساعتی بستگی ندارد، بلکه به عواملی نظیر تعداد شاغلان در خانوار، ساعات کاری، حمایت‌های دولتی (مانند مالیات و مزایای اجتماعی)، ترکیب خانوار (تعداد فرزندان و افراد غیرشاغل) نیز بستگی دارد.

- براین اساس کشورهای سعی در فاصله گرفتن از حداقل دستمزد و حرکت به سمت مزد معیشتی به یکی از معیارهای تعیین حداقل دستمزد را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به عنوان مثال:
- در برخی کشورها مانند استرالیا، حداقل دستمزد از دستمزد معیشتی بالاتر است.
- در اتحادیه اروپا، دستورالعمل جدیدی برای "حداقل دستمزد کافی" ارائه شده که براساس آن کشورها موظفند حداقل دستمزد را با در نظر گرفتن هزینه‌های زندگی و قدرت خرید به روز کنند.

۵. ضرورت تعیین حداقل دستمزد براساس مناطق و صنایع در ایران

حداقل دستمزد ملی تنها یک نرخ برای همه کارگران یک کشور است که بدون در نظر گرفتن منطقه، فعالیت یا اندازه بنگاه اقتصادی که در آن کار می‌کنند، یکسان خواهد بود؛ این در حالی است که هزینه کالاها و خدمات می‌تواند تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین مناطق ایجاد کند، از سویی دیگر نرخ بیکاری نیز در مناطق مختلف متفاوت است. همچنین بین صنایع مختلف به جهت اندازه بنگاه، بهره‌وری کارکنان و... تفاوت وجود دارد و لذا اختلاف حداقل دستمزد در میان مناطق و صنایع امروز به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. لیکن اجرای هر یک از موارد فوق (منطقه کردن و یا تفاوت بین صنایع و یا ترکیبی از آنها) الزاماتی دارد که برای پیاده‌سازی آنها حائز اهمیت است.

۵-۱. ضرورت اجرای حداقل دستمزد منطقه‌ای

تفاوت‌های زیادی بین مناطق مختلف به لحاظ وجود شرایط اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی (نظیر صنعتی شدن، سطح توسعه یافتگی و هزینه‌های زندگی) وجود دارد. در این شرایط افراد ساکن در این مناطق ناشی از تورم موجود، قدرت خریدشان به یک میزان کاهش نمی‌یابد؛ لذا افزایش در دستمزدها در مناطق



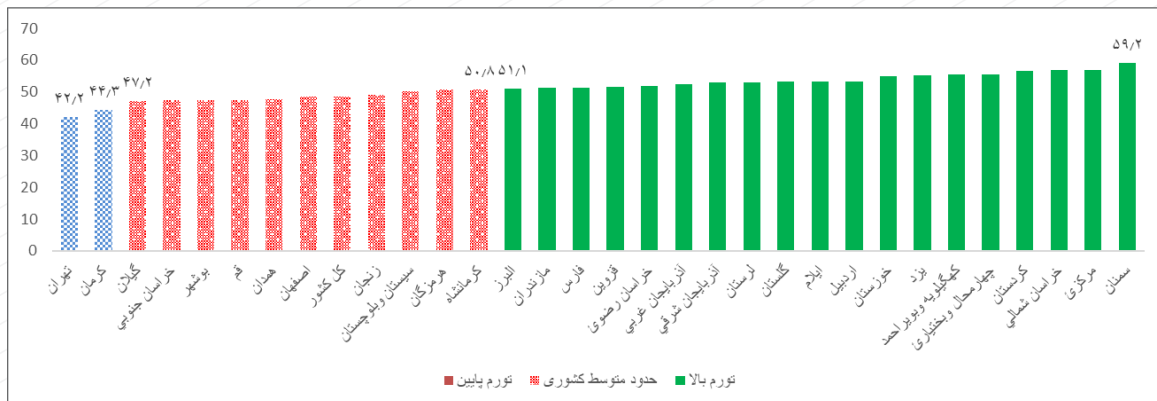
تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

مختلف باید به‌گونه‌ای باشد تا توان خرید آحاد مردم در این مناطق بدون تغییر باقی بماند. برای این منظور باید افزایش حداقل دستمزد در مناطق مختلف متفاوت باشد. منطقه‌ای کردن دستمزدها می‌تواند به بهبود عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای کمک کند.

برای نشان دادن تفاوت‌های منطقه‌ای، می‌توان شاخص‌های مختلفی بکار برد که در این قسمت از شاخص تورم منطقه‌ای، نرخ فقر منطقه‌ای، مخارج خانوارهای شهری و روستایی و هزینه مسکن در استان‌های مختلف استفاده شده است.

پراکندگی نرخ تورم

مطابق نمودار زیر، میزان اختلاف نرخ تورم در میان استان‌های کشور ۱۷ واحد درصد است که کمترین آن متعلق به استان تهران و بیشترین آن به استان سمنان اختصاص دارد و استان‌های اصفهان، همدان، قم و زنجان نزدیک به میانگین کشوری هستند. اختلاف تورم به تغییرات متفاوت هزینه‌های زندگی در استانهای کشور منجر می‌شود. قاعدتاً استانهایی که نرخ تورم در آن بالاست، باید حداقل دستمزد در آنها در مقایسه با سایر استانها متفاوت باشد، در غیر اینصورت کارگران استانهای با تورم بالا در گذر زمان در مقایسه با استانهای با تورم پایین، فقیرتر خواهند شد؛ این در حالی است که در حال حاضر یک نرخ در سطح ملی به عنوان حداقل دستمزد تعیین می‌شود.

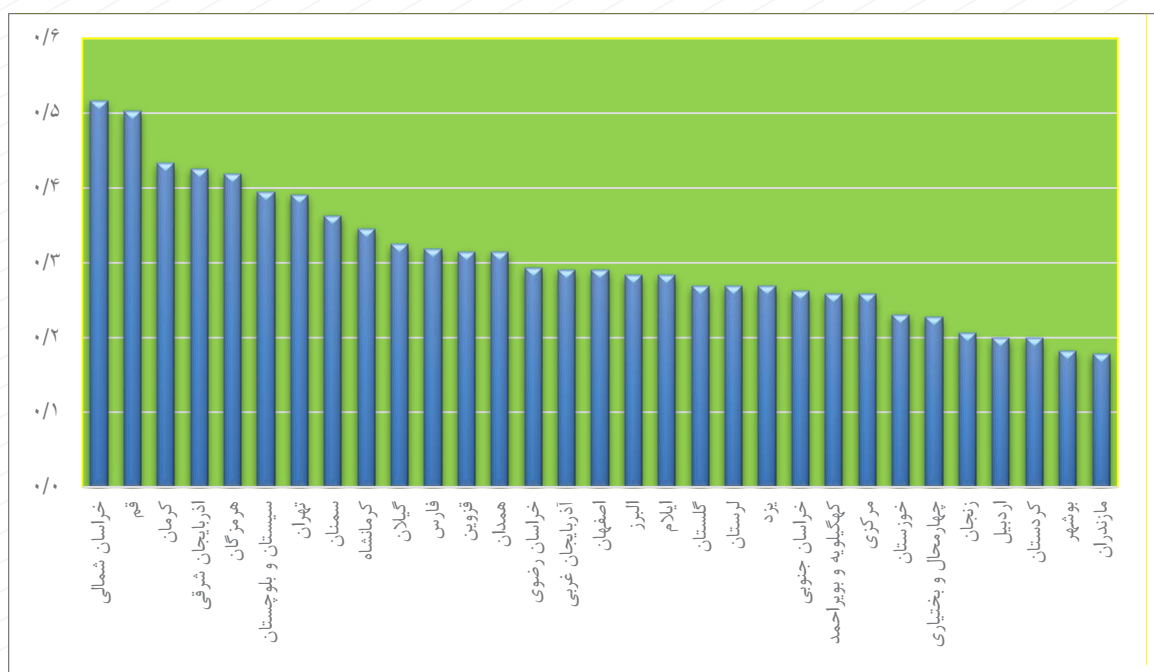


نمودار ۵. نقشه تورم سالانه استان‌های کشور در آبان ماه ۱۴۰۴



پراکندگی شاخص فقر مطلق در استان‌های کشور

یکی دیگر از معیارهای تعیین دستمزد منطقه‌ای در سطح دنیا، تفاوت سطح استاندارد زندگی^۱ در مناطق مختلف یک کشور است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در ایران نیز، استان‌های کشور از نظر شاخص‌های استاندارد زندگی تفاوت زیادی با هم دارند. مطابق داده‌های مرکز آمار ایران، هر چند متوسط نرخ فقر^۲ در کشور حدود ۳۱ درصد است، اما در استان‌های قم و خراسان شمالی بالای ۵۰ درصد و در استان‌های آذربایجان شرقی، کرمان و هرمزگان در دامنه ۴۰-۵۰ درصد قرار دارند. کمترین نرخ فقر مربوط به استان بوشهر و مازندران است. دامنه اختلاف نرخ فقر در دو گروه استان دارای بالاترین و پایین‌ترین نرخ فقر به حدود ۳۴ درصد می‌رسد.



ماخذ: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نمودار ۶. میزان فقر به تفکیک استان‌های کشور در سال ۱۳۹۹

مقایسه هزینه زندگی در استان‌های کشور

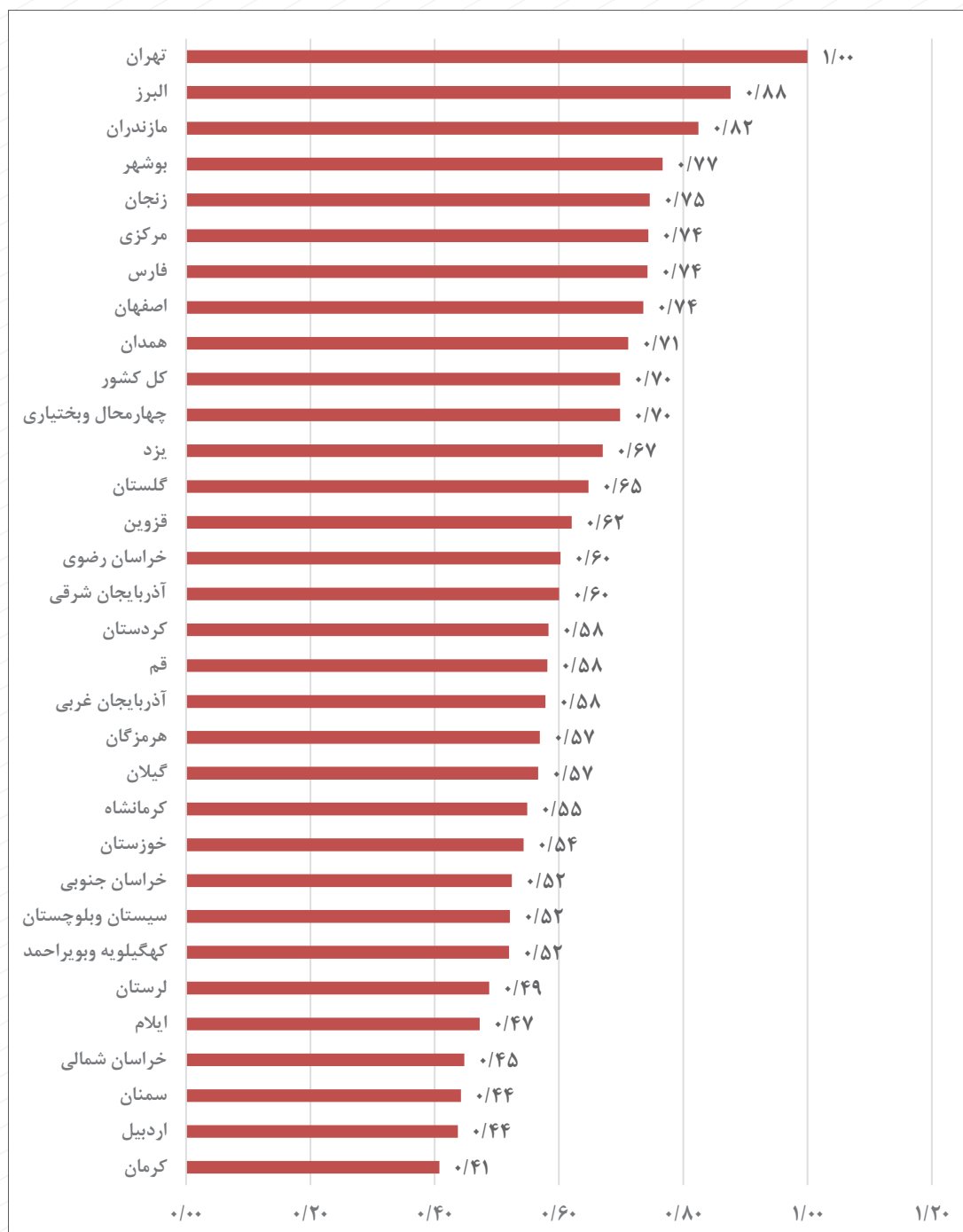
اختلاف هزینه زندگی در استان‌های مختلف یکی دیگر از شاخص‌هایی است که نشان‌دهنده مناسب نبودن حداقل دستمزد ملی برای کلیه مناطق کشور است. برای درک بهتر آن، هزینه‌های زندگی تک‌تک استان‌ها را بر هزینه زندگی استان تهران (بالاترین هزینه زندگی) تقسیم می‌کنیم. این شاخص نشان می‌دهد که هزینه زندگی در

۱. نرخ فقر یکی از شاخص‌های استاندارد زندگی است. سهم جمعیت دهک اول و آخر درآمدی از کل جمعیت منطقه، نسبت میان جبران خدمات به دستمزد مصوب از شاخص‌های دیگر استاندارد زندگی هستند.
 ۲. منظور از نرخ فقر، درصد از افرادی است که هزینه زندگی آنها زیر خط فقر مطلق است



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

استان‌ها کشور چند درصد استان تهران است. طبق نمودار زیر، هزینه زندگی در استان‌های البرز و مازندران تفاوت چندانی با استان تهران ندارد. استان‌های کرمان و اردبیل بیشترین فاصله هزینه‌ای را با استان تهران دارند که حاکی از پایین بودن هزینه‌های زندگی در این استان‌ها در مقایسه با استان تهران است. بدین ترتیب استانهایی که درصد اختلاف کمتری با استان تهران دارند قاعدتاً باید حداقل دستمزد بالاتری داشته باشند.



نمودار ۷. نسبت هزینه کل زندگی در استان‌های مختلف به هزینه کل در استان تهران در سال ۱۴۰۱





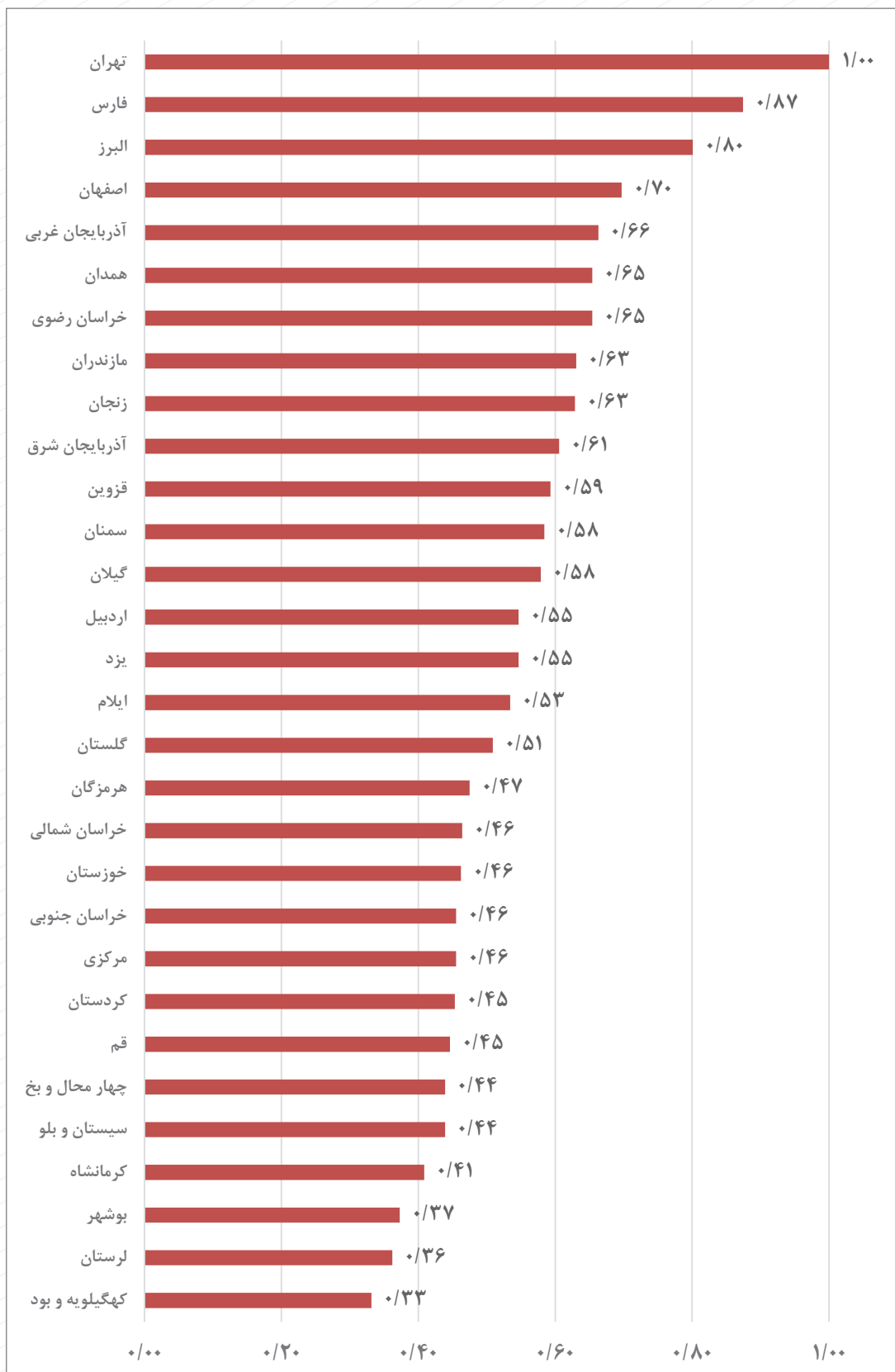
مقایسه هزینه مسکن در استان‌های کشور

باتوجه به سهم بالای هزینه مسکن در سبد خانوارها و اختلاف قیمت مسکن در استان‌های مختلف، هزینه مسکن یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده اختلاف هزینه زندگی در استان‌های کشور خواهد بود. در اینجا نیز به منظور درک بهتر موضوع، هزینه مسکن در استان تهران ۱ در نظر گرفته شده است و هزینه مسکن سایر استان‌های بر هزینه استان تهران تقسیم شده است.

نمودار زیر سهم هزینه مسکن از کل هزینه خانوار شهری در استان‌های کشور در مقایسه با استان تهران را نشان می‌دهد (استان تهران برابر با ۱). مطابق این نمودار هزینه مسکن استان کهگیلویه و بویراحمد ۰٫۳۳، استان تهران است. این سهم نشان می‌دهد که هزینه مسکن در شهر تهران سه برابر استان کهگیلویه و بویراحمد است. استان‌های فارس، البرز و اصفهان بالای ۰٫۷ هزینه مسکن استان تهران را دارند. براین اساس استان‌های با سهم بالا می‌بایست از سطح حداقل دستمزد بالاتری برخوردار شوند.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد



نمودار ۸. سهم هزینه مسکن از کل هزینه استانی به استان تهران در سال ۱۴۰۲



در مجموع تنها یک شاخص تعیین‌کننده تفاوت استان‌ها نیست؛ بلکه ترکیبی از شاخص‌ها (برخی از آنها در اینجا ذکر شد) برای رتبه‌بندی استان‌ها مدنظر باید قرار گیرد.

مطابق نمودارهای فوق، اختلاف بالا در شاخصهای تورم، هزینه زندگی، نرخ فقر و هزینه مسکن در استان‌های مختلف کشور، حاکی از اهمیت توجه به منطقه‌ای کردن حداقل دستمزد است.

الزامات و پیش‌نیازهای تعیین حداقل دستمزد به صورت منطقه‌ای

در ماده (۴۱) قانون کار آمده است شورای عالی کار همه ساله میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و با صنایع مختلف تعیین نماید. به عبارت دیگر ظرفیت تقنینی دستمزد منطقه‌ای در ماده (۴۱) قانون کار وجود دارد، اما این حکم قانونی صرفاً شرط لازم برای اجرای دستمزد منطقه‌ای است و شرط کافی آن نحوه محاسبه و تعیین دستمزد بر اساس هر استان یا منطقه و یا احیاناً خوشه‌بندی مناطق و یا شیوه تعیین دستمزد منطقه‌ای به صورت چانه‌زنی است؛ به نحوی که کمترین تبعات سیاسی اقتصادی امنیتی و اجتماعی را داشته باشد، لیکن ماده (۴۱) نسبت به این موارد مسکوت است. با این وجود مشکل قانونی برای اجرا وجود ندارد.

برای اجرایی‌سازی تعیین حداقل دستمزد به صورت منطقه‌ای علاوه بر پیچیدگی محاسبه تعیین دستمزد منطقه‌ای، مکانیزم اجرای آن نیز دشواری‌های خاص خود را دارد. به عبارت دیگر اگر قرار است دستمزد منطقه‌ای نیز به روش چانه‌زنی در هر منطقه تعریف شود، ضروری است به موارد زیر توجه شود:

- ساختار و نهادهای محلی تعیین حداقل دستمزد؛
- نحوه هماهنگ‌سازی و نظارت بر شیوه محاسبه هر منطقه؛
- میزان اختیارات نهادهای محلی ایجاد شده و نحوه تعامل آنها با سطح ملی؛
- وجود اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی محلی؛
- توجه به مسائل سیاسی، اعتقادی و فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی هر منطقه در تعیین حداقل دستمزد؛
- توجه به جابجایی نیروی کار در بین مناطق مختلف با توجه به متفاوت بودن سطح حداقل دستمزد.

براین اساس در شرایط فعلی به دلیل فقدان سازوکارها و نهادهای لازم، اجرای حداقل دستمزد منطقه‌ای، در کشور امکان‌پذیر نیست. در واقع برای پیاده‌سازی دستمزد منطقه‌ای لحاظ برخی از شاخص‌ها نظیر خط فقر استانی به روز از اهمیت بالایی برخوردار است.



۵-۲. ضرورت توجه به تعیین حداقل دستمزد بر مبنای صنایع

حداقل دستمزد شغلی یا بخشی باهدف حمایت از کارگرانی اجرا می‌شود که دستمزد پایینی دارند یا بنگاه‌هایی که توان پرداخت ندارند. حداقل دستمزدها بر اساس فعالیت و مشاغل با در نظر گرفتن عوامل اقتصادی خاص آن بخش تعیین می‌شود؛ زیرا برخی از بخش‌ها دارای میانگین بهره‌وری و ظرفیت پرداخت بالاتری نسبت به سایر بخش‌ها هستند و می‌توانند حداقل دستمزد بالاتری را بپردازند. همچنین برخی مشاغل ممکن است نیاز به مهارت بیشتری نسبت به سایر مشاغل داشته باشند و کارگران در این مشاغل از سطح بهره‌وری بالاتری برخوردار باشند. همچنین شرکت‌های کوچک‌تر ممکن است از بهره‌وری پایین‌تر نیروی کار برخوردار باشند و متعاقباً ظرفیت کمتری برای پرداخت داشته باشند. البته بدیهی است که این نوع شیوه تعیین دستمزد، پیچیدگی زیادی دارد و بنابراین به ظرفیت و الزامات اجرایی بیشتری نیاز داشته باشند.

الزامات و پیش‌نیازهای اجرای حداقل دستمزد بر اساس صنایع در ایران

بررسی تجارب کشورها در زمینه تعیین حداقل دستمزد بر اساس صنایع، نشان می‌دهد این روش یکی از پیچیده‌ترین روش‌ها در تعیین حداقل دستمزد است و نیازمند الزامات سازمانی و اجرایی خاص خود است. همچنین بر اساس تجربه کشورها، توجه به الزامات و پیش‌نیازهای زیر در موفقیت این روش مؤثر است:

- توجه به رویکرد توسعه‌ای و استفاده از این سیاست در مسیر توسعه صنعتی؛
- انتخاب صنایع هدف مناسب (استفاده از ظرفیت ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت و تدوین سند مورد نظر برای هدف‌گذاری صنایع)؛
- انتخاب مشاغل جهت حمایت (نظیر مشاغل سخت و زیان‌آور در هر صنعتی)؛
- ایجاد نهادهای مورد نیاز برای اجرای سیاست مورد نظر؛
- نیاز به معیارهای مرتبط با اجرایی‌سازی حداقل دستمزد بر اساس صنایع؛
- پشتیبانی نظام آمار و اطلاعات بازار کار کشور مرتبط با بنگاه‌های کوچک؛

۶. روش‌شناسی محاسبه سبد معیشت

در این بخش ضروری است روش محاسبه «معیشت» به صورت شفاف و قابل بازتولید تشریح شود، زیرا اعتبار نتایج سناریوهای مزدی گزارش، مستقیماً به شفافیت روش برآورد سبد معیشت وابسته است. مطالعات بین‌المللی و تجربیات سیاست‌گذاری نشان می‌دهد که برای برآورد دستمزد یا هزینه معیشت، سه رویکرد اصلی مورد استفاده قرار گرفته است:

الف) رویکردهای مبتنی بر خط فقر که معمولاً حداقل درآمد لازم برای بقا را هدف می‌گیرند و بیشتر در سیاست‌های حمایتی (نه سیاست مزدی) کاربرد دارند؛

ب) رویکردهای مبتنی بر شاخص‌های نسبی دستمزد مانند تعیین حداقل مزد معادل درصدی از متوسط یا میانه دستمزد (۵۰ درصد متوسط یا ۶۰ درصد میانه)، که در اتحادیه اروپا رایج است؛

ج) رویکردهای مبتنی بر سبد هزینه‌های واقعی زندگی که تمرکز آن بر برآورد هزینه واقعی یک زندگی شرافتمندانه برای خانوار کارگری است.

مطابق گزارش‌های جدید سازمان بین‌المللی کار (ILO) و OECD، رویکرد سوم دقیق‌ترین و شفاف‌ترین روش برای تحلیل شکاف میان دستمزد و معیشت به‌ویژه در اقتصادهای دچار تورم ساختاری و نابرابری منطقه‌ای است.

این گزارش از رویکرد سبد معیشت مبتنی بر هزینه‌های واقعی زندگی استفاده می‌کند. انتخاب این روش

بر چند ملاحظه کلیدی استوار است:

۱. حداقل دستمزد در ایران به‌طور تاریخی از تأمین حداقل معیشت عقب مانده است؛

۲. شاخص‌های نسبی دستمزد (درصدی از متوسط یا میانه) به دلیل نابرابری شدید درآمدی، تصویر دقیقی از رفاه کارگران ارائه نمی‌دهند؛

۳. داده‌های رسمی هزینه-درآمد خانوار در ایران در دسترس بوده و امکان برآورد مبتنی بر شواهد را فراهم می‌کنند؛

۴. این روش با الزامات ماده ۴۱ قانون کار (توجه همزمان به تورم و سبد معیشت) سازگارتر است.

روش محاسبه سبد معیشت در این گزارش، ترکیبی از دستورالعمل‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO)،

متدولوژی انکر^۱ و داده‌های رسمی مرکز آمار ایران است. این چارچوب به‌گونه‌ای طراحی شده است که

شفاف، قابل به‌روزرسانی و قابل تعمیم به سطوح منطقه‌ای باشد.

۶-۱. مراحل اصلی به شرح زیر است:

۱. **تعریف سبد غذایی مطلوب بر اساس استانداردهای تغذیه‌ای رسمی:** وزارت بهداشت بر اساس

نیازهای بیولوژیک بدن (کالری، پروتئین، ویتامین‌ها و ریزمغذی‌ها)، یک سبد غذایی استاندارد

شامل اقلامی نظیر نان، برنج، گوشت، لبنیات، میوه و سبزیجات تدوین کرده است. این سبد نه بر

اساس الگوهای مصرفی فعلی (که ممکن است به دلیل فقر، ناکافی باشد)، بلکه بر اساس «بایدها»

برای حفظ سلامت یک فرد بزرگسال و بهره‌وری در کار طراحی شده است.^۲

1. Anker Methodology

۲. سبد غذایی مطلوب برای جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۳ توسط دفتر بهبود تغذیه جامعه معاونت بهداشتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با همکاری انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور در انتشارات رایجه دانش منتشر شده است.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

▣ **تعیین دهک خانوار مبنا (دهک چهارم):** انتخاب دهک چهارم به عنوان دهک مبنا، یک تصمیم راهبردی است. دهک‌های اول تا سوم معمولاً تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند و الگوی مصرف آن‌ها به شدت تحت تأثیر فقر مطلق است. دهک چهارم، نخستین لایه از جامعه است که تا حدودی به مرزهای حداقل رفاه نزدیک است. هدف این است که دستمزد کارگر به گونه‌ای تعیین شود که خانوار او حداقل در سطح معیشتی دهک چهارم (به عنوان مرز عبور از فقر) قرار گیرد.

▣ **سهام کالاهای خوراکی و غیرخوراکی (ضریب اهمیت):** در اقتصاد خانواده، «قانون انگل» بیان می‌کند که هرچه درآمد خانوار کمتر باشد، سهم بیشتری از آن صرف خوراک می‌شود. در اینجا سهم خوراکی‌ها ۳۸.۸۷ درصد در نظر گرفته شده است. این بدان معناست که به ازای هر ۱۰۰ تومان ۳۹ تومانی برای صرف غذا و ۶۱ تومان برای اقلام غیرقابل اجتناب دیگر (اجاره‌بها، درمان، آموزش و حمل‌ونقل و ...) هزینه شود. این نسبت (ضریب اهمیت اقلام) از نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار استخراج می‌گردد.

▣ **قیمت‌گذاری اقلام:** در این مرحله، مقادیر تعیین شده توسط وزارت بهداشت در قیمت‌های خرده‌فروشی اعلام شده توسط مرکز آمار در مقطع زمانی آذرماه (که معمولاً مبنای محاسبات مزد سال بعد است) ضرب می‌شوند. استفاده از داده‌های مرکز آمار به محاسبات، وجاهت قانونی و حاکمیتی می‌بخشد.

▣ **محاسبه هزینه سبد غذایی:** این عدد نشان‌دهنده «حداقل هزینه برای زنده ماندن» (از نظر تغذیه‌ای) برای یک نفر است که در بعد خانوار (معمولاً ۳.۳ نفر) ضرب می‌شود. این مبلغ صرفاً هزینه خرید مواد غذایی خام است و هزینه‌های آماده‌سازی یا صرف غذا در بیرون را شامل نمی‌شود.

▣ **استخراج نهایی سبد معیشت (تعمیم به کل هزینه‌ها):** این مهم‌ترین مرحله است. با استفاده از یک تناسب ریاضی ساده هزینه کل زندگی به دست می‌آید. اگر مبلغ به دست آمده برای خوراک را X بنامیم، هزینه کل زندگی از تقسیم آن بر سهم خوراکی‌ها یا ضریب اهمیت اقلام خوراکی به دست می‌آید. این عدد نهایی همان «سبد معیشت» است که می‌تواند در مذاکرات شورای عالی کار به عنوان «کف مطالبات» کارگری مطرح شود تا نشان دهد حداقل دستمزد چقدر با واقعیت‌های هزینه‌ای (شامل مسکن و درمان) فاصله دارد.

۲-۶. مقادیر پیشنهادی اقلام سبد غذایی مطلوب جامعه ایرانی (سرانه روزانه)

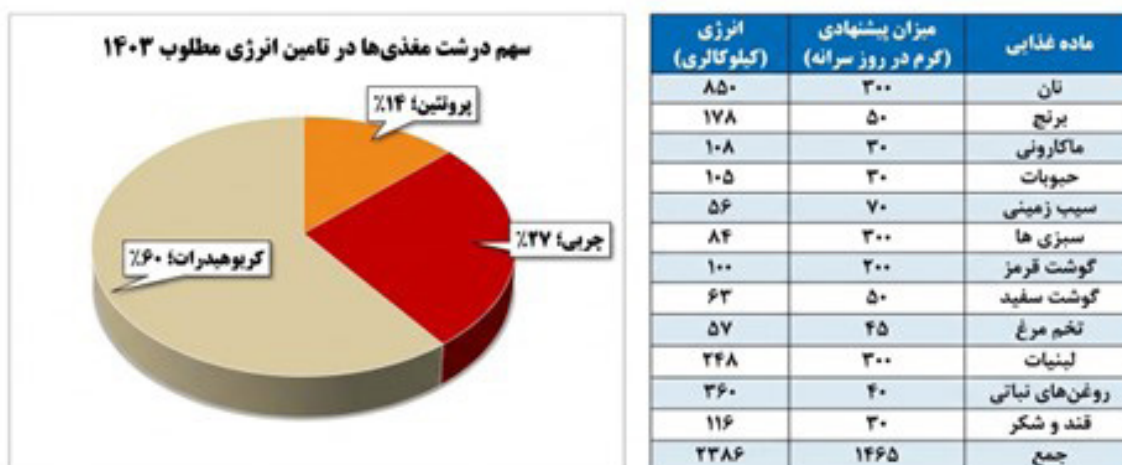
در راستای اجرای تکالیف قانونی ماده ۴۱ قانون کار و به منظور برآورد دقیق هزینه‌های معیشتی، مبنای محاسبات «سهم خوراکی‌ها» بر پایه سبد غذایی مطلوب پیشنهاد شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای سال ۱۴۰۳ استوار است. این سبد که با رویکرد «تغذیه پایدار» و با هدف تأمین سلامت

و پیشگیری از بیماری‌ها تدوین شده، میزان دقیق مصرف روزانه اقلام اساسی را برای یک فرد بالغ به‌گونه‌ای تعیین کرده است که میانگین انرژی دریافتی روزانه معادل ۲۳۸۶ کیلوکالری را تضمین نماید.

این الگو نه تنها یک نقشه راه برای ارتقای سلامت جامعه است، بلکه به عنوان «خطکش محاسباتی» در گزارش‌های تعیین حداقل دستمزد عمل می‌کند تا اطمینان حاصل شود که مزد مصوب، توانایی تأمین این حداقل‌های بیولوژیک را برای کارگر و خانواده وی داراست. بر اساس آخرین ابلاغیه مدیرکل دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت، مقادیر پیشنهادی برای اقلام اصلی جهت تأمین این سطح از انرژی و سلامت به شرح جدول زیر است:

جدول ۳. مقادیر پیشنهادی اقلام سبد غذایی مطلوب (سرانه روزانه - سال ۱۴۰۳)

مقادیر پیشنهادی مواد غذایی سبد ۱۴۰۳



این مقادیر می‌تواند مبنای اصلی در محاسبات کمیته دستمزد در دستور کار قرار گرفته تا با ضرب در قیمت‌های رسمی دی‌ماه ۱۴۰۴، هزینه نهایی سبد معیشت کارگری برای سال ۱۴۰۴ استخراج گردد.

۳-۶. هزینه اقلام خوراکی در سبد معیشت

پس از تعیین مقادیر مورد نیاز (بر پایه سبد مطلوب وزارت بهداشت)، قیمت‌های خرده‌فروشی مناطق شهری که توسط مرکز آمار ایران در دی‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شده است، ملاک عمل قرار گرفت. این محاسبات نشان‌دهنده حداقل هزینه‌ای است که یک خانوار برای حفظ سلامت جسمانی و تأمین انرژی مورد نیاز (۲۳۸۶ کیلوکالری) به آن نیاز دارد. در واقع، این ارقام «کف هزینه‌ای» هستند و هرگونه نوسان قیمتی در ماه‌های آتی، قدرت خرید این سبد را بیش از پیش تحت تأثیر قرار خواهد داد.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

جدول ۴. جزئیات هزینه اقلام خوراکی سبد معیشت (مبنا: دی ماه ۱۴۰۴)

ماده غذایی	سرنانه مصرف (گرم در روز)	متوسط قیمت اقلام در دی ماه ۱۴۰۴ (تومان)			مبلغ مصرف سرنانه (روزانه - تومان)			مصرف خانوار ۳ نفری (ماهانه - تومان)		ماده غذایی
		کشوری (۱)	کشوری (۲)	شهرهای بزرگ (۳)	(۱)	(۲)	(۳)	(۱)	(۲)	
نان	۳۰۰	۷,۵۰۰	۱۵,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۲,۲۵۰	۴,۵۰۰	۹,۰۰۰	۲۲۲,۷۵۰	۴۴۵,۵۰۰	۸۹۱,۰۰۰
برنج	۵۰	۲۶۱,۴۰۰	۲۷۳,۲۰۰	۳۰۷,۰۰۰	۱۳,۰۷۰	۱۳,۶۶۰	۱۵,۳۵۰	۱,۲۹۳,۹۳۰	۱,۳۵۲,۳۴۰	۱,۵۱۹,۶۵۰
ماکارونی	۳۰	۴۶,۱۳۰	۴۶,۶۰۰	۴۷,۰۰۰	۱,۳۸۴	۱,۳۹۸	۱,۴۱۰	۱۳۷,۰۰۶	۱۳۸,۴۰۲	۱۳۹,۵۹۰
حبوبات	۳۰	۲۴۲,۶۰۰	۲۴۹,۸۰۰	۲۷۸,۰۰۰	۷,۲۷۸	۷,۴۹۴	۸,۳۴۰	۷۲۰,۵۲۲	۷۴۱,۹۰۶	۸۲۵,۶۶۰
سیب زمینی	۷۰	۴۱,۱۲۰	۴۲,۴۵۰	۴۵,۰۰۰	۲,۸۷۸	۲,۹۷۲	۳,۱۵۰	۲۸۴,۹۶۲	۲۹۴,۱۷۹	۳۱۱,۸۵۰
سبزی‌ها	۳۰۰	۵۰,۲۰۰	۵۵,۳۰۰	۷۶,۶۰۰	۱۵,۰۶۰	۱۶,۵۹۰	۲۲,۹۸۰	۱,۴۹۰,۹۴۰	۱,۶۴۲,۴۱۰	۲,۲۷۵,۰۲۰
میوه‌ها	۲۰۰	۱۳۶,۲۴۶	۱۴۰,۶۹۰	۱۵۸,۴۰۰	۲۷,۲۴۹	۲۸,۱۳۸	۳۱,۶۸۰	۲,۶۹۷,۶۷۱	۲,۷۸۵,۶۶۲	۳,۱۳۶,۳۲۰
گوشت قرمز	۲۰	۸۷۷,۵۴۵	۹۳۷,۰۰۰	۱,۰۵۰,۰۰۰	۱۷,۵۵۱	۱۸,۷۴۰	۲۱,۰۰۰	۱,۷۳۷,۵۳۹	۱,۸۵۵,۲۶۰	۲,۰۷۹,۰۰۰
گوشت سفید	۵۰	۱۵۳,۹۰۰	۱۹۴,۲۸۰	۲۳۵,۰۰۰	۷,۶۹۵	۹,۷۱۴	۱۱,۷۵۰	۷۶۱,۸۰۵	۹۶۱,۶۸۶	۱,۱۶۳,۲۵۰
تخم مرغ	۴۵	۱۱۸,۲۳۰	۱۸۹,۷۰۰	۲۰۰,۰۰۰	۵,۳۲۰	۸,۵۳۷	۹,۰۰۰	۵۲۶,۷۱۵	۸۴۵,۱۱۴	۸۹۱,۰۰۰
لبنیات	۳۰۰	۶۷,۷۵۲	۷۳,۰۵۱	۷۸,۲۸۵	۲۰,۳۲۶	۲۱,۹۱۵	۲۳,۴۸۶	۲,۰۱۲,۲۳۴	۲,۱۶۹,۶۱۵	۲,۳۲۵,۰۶۵
روغن‌های نباتی	۴۰	۸۹,۵۰۶	۱۸۰,۰۰۰	۱۷۰,۳۷۰	۳,۵۸۰	۷,۲۰۰	۶,۸۱۵	۳۵۴,۴۴۴	۷۱۲,۸۰۰	۶۷۴,۶۶۵
قند و شکر	۳۰	۶۸,۲۶۶	۶۸,۴۶۶	۷۱,۶۰۰	۲,۰۴۸	۲,۰۵۴	۲,۱۴۸	۲۰۲,۷۵۰	۲۰۳,۳۴۴	۲۱۲,۶۵۲
جمع	۱۴۶۵	-	-	-	۱۲۵,۶۹۰	۱۴۲,۹۱۱	۱۶۶,۱۰۸	۱۲,۴۴۳,۲۶۷	۱۴,۱۴۸,۲۱۷	۱۶,۴۴۴,۷۲۲

مأخذ: براساس قیمت‌های دی ماه ۱۴۰۴ منتشره از سوی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان.

ارقام مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد که:

هزینه تأمین «صرفاً خوراک» برای یک خانواده کارگری در دی ماه ۱۴۰۴ به رقم ۱۵ میلیون و ۴۹۲ هزار تومان رسیده است. نکته حائز اهمیت در این تحلیل، سهم بالای اقلام پروتئینی (گوشت و لبنیات) است که بیش از ۴۰ درصد از کل هزینه‌های خوراکی را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که وزن مصرفی آن‌ها (گرم در روز) نسبتاً محدود است. این یعنی تورم اقلام با کشتش درآمدی بالا، بیشترین ضربه را به سبد معیشت وارد کرده و خانوارها ناچارند یا از کیفیت تغذیه بکاهند یا سهم سایر هزینه‌های ضروری را فدا کنند. **علاوه بر این فشار قیمتی و تفاوت مکانی (کشوری در مقابل شهرهای بزرگ) در داده‌های مصرف مشاهده می‌شود.** تقریباً در همه اقلام، هزینه مصرف در شهرهای بزرگ به طور معناداری بالاتر از متوسط کشوری است. با توجه به اینکه طبق فرمول‌های استخراج سبد معیشت، هزینه‌های خوراکی حدود ۳۹ درصد از کل مخارج زندگی را پوشش می‌دهند، این مبلغ (۱۵۴ میلیون ریال) مبنایی برای محاسبه کل هزینه زندگی (شامل مسکن، درمان و آموزش) قرار خواهد گرفت. تفاوت چشمگیر قیمت برخی اقلام در دی ماه نسبت به ابتدای سال، مؤید لزوم «به‌روزرسانی مستمر» دستمزدها متناسب با تورم نقطه به نقطه مواد غذایی است تا سفره کارگران از حداقل‌های بیولوژیک تهی نگردد.

بر اساس محاسبات جدول، هزینه کل خوراک یک خانوار ۳،۳ نفره در سطح کشور از حدود ۱۲،۴ میلیون ریال در ۳ دی به ۱۴،۱ میلیون ریال در ۱۷ دی افزایش یافته و در همین تاریخ در شهرهای بزرگ به حدود ۱۶،۴ میلیون ریال رسیده است. به بیان دیگر، تنها در فاصله‌ای حدود دو هفته، هزینه سبد خوراک در متوسط کشوری نزدیک به ۱۴ درصد و در شهرهای بزرگ بیش از ۳۰ درصد رشد کرده است. این شتاب بالای افزایش قیمت، نشان می‌دهد فشار تورمی بر معیشت خانوارها نه تنها سریع، بلکه به شدت نامتوازن و شهری-منطقه‌ای است. چنین افزایشی عملاً قدرت خرید مزدبگیران را در بازه‌های بسیار کوتاه فرسایش می‌دهد و تأکید می‌کند که سیاست‌های دستمزدی سالانه و یکنواخت، بدون سازوکار ترمیم میان‌دوره‌ای و بدون توجه به تفاوت شهرهای بزرگ با متوسط کشور، قادر به پوشش حداقل نیازهای خوراکی خانوار نخواهد بود.

۴-۶. محاسبه جمع هزینه‌های اقلام خوراکی و غیر خوراکی خانوار کارگری در سال ۱۴۰۴

با استناد به بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار، تعیین حداقل دستمزد باید به‌گونه‌ای باشد که «زندگی یک خانواده را که تعداد اعضای آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود، تأمین نماید.» در همین راستا، پس از احصای دقیق مقادیر گرمی اقلام غذایی بر اساس سبد مطلوب وزارت بهداشت و اعمال قیمت‌های خرده‌فروشی اعلامی از سوی مرکز آمار ایران در دی ماه ۱۴۰۴، محاسبات فنی نهایی جهت تعیین «کفایت دستمزد» به شرح زیر استخراج گردید. در این محاسبات، هزینه اقلام خوراکی به عنوان «هسته سخت معیشت» مبنا قرار گرفته و با استفاده از ضریب اهمیت کالاهای غیرخوراکی (شامل مسکن، بهداشت، حمل‌ونقل و آموزش) که مطابق شاخص‌های سال ۱۴۰۰ تنظیم شده است، کل هزینه زندگی برای یک خانوار متوسط ۳.۳ نفری برآورد شد.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

جدول ۵. هزینه سبد معیشت در دی ماه ۱۴۰۴ تحت سه حالت قیمتی

هزینه سبد معیشت برای خانوار ۳،۳ نفر (تومان)				شرح
(۳)	(۲)	(۱)	ضریب اهمیت پایه	
۱۶،۴۴۴،۷۲۲	۱۴،۱۴۸،۲۱۷	۱۲،۴۴۳،۲۶۷	۳۸،۹	جمع اقلام خوراکی
۲۵،۸۲۹،۶۲۸	۲۲،۲۲۲،۵۲۱	۱۹،۵۴۴،۵۶۶	۶۱/۱	جمع اقلام غیرخوراکی
۴۲،۲۷۴،۳۵۰	۳۶،۳۷۰،۷۳۸	۳۱،۹۸۷،۸۳۳	۱۰۰	هزینه کل سبد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مطابق داده‌های فوق:

در سبد معیشت، اقلام خوراکی تنها ۳۸،۹ درصد از وزن پایه را تشکیل می‌دهند، اما رشد هزینه آن‌ها در بازه کوتاه مورد بررسی، محرک اصلی جهش کل سبد است. هزینه خوراک از ۱۲،۴ میلیون ریال (۳ دی) به ۱۴،۱ میلیون ریال (۱۷ دی) و سپس در شهرهای بزرگ به ۱۶،۴ میلیون ریال رسیده؛ یعنی افزایش حدود ۱۴ درصد در متوسط کشوری و بیش از ۳۰ درصد در کلان‌شهرها ظرف دو هفته. به عبارت دیگر، بخشی که از نظروزی کمتر از ۴۰ درصد است، عملاً نقش «پیشران تورم معیشتی» را بازی می‌کند.

شکاف مکانی هزینه معیشت نشان می‌دهد که فاصله هزینه کل سبد میان متوسط کشوری و شهرهای بزرگ در ۱۷ دی به حدود ۶ میلیون ریال در ماه رسیده است؛ فاصله‌ای که به روشنی بیان می‌کند حداقل دستمزد ملی، حتی اگر در سطح کشور به سختی بتواند حداقل‌های معیشتی را پوشش دهد، در کلان‌شهرها عملاً کارکرد معیشتی خود را به طور کامل از دست داده است. این وضعیت به معنای حرکت سریع‌تر خانوارهای شهری (به ویژه مزدبگیران) در مسیر فقر است و تجربه زیسته آن با تشدید مهاجرت، حاشیه‌نشینی و ناپایداری اجتماعی همخوانی دارد. در نتیجه، مزد واحد ملی دیگر صرفاً یک مسأله نظری یا عدالت‌محور نیست، بلکه بر اساس شواهد عددی، توجیه اقتصادی خود را از دست داده و حرکت به سمت مزد منطقه‌ای/شهری را به یک ضرورت سیاستی بدل می‌کند.

سبد معیشت کارگری در آستانه سال ۱۴۰۴ قبل از سیاست حذف ارزش‌ترجیحی به رقم ۳۱،۹ میلیون تومان رسیده که در ۱۷ دی ماه بعد از اجرای سیاست مذکور به ۳۶،۴ میلیون تومان افزایش یافته است. در شهرهای بزرگ هزینه سبد معیشت ۴۲،۳ میلیون تومان است. با عنایت به اینکه قیمت اقلام شهرهای بزرگ در میانگین کشوری لحاظ شده است، مبنای هزینه سبد معیشت، همان حالت دوم در نظر گرفته می‌شود.

این ارقام با قیمت‌های فعلی است و در سال آینده حداقل با تورم ۴۰ درصد مواجه خواهیم بود که ارقام سبد معیشت بطور متوسط ۴۰ درصد بالاتر از هزینه فوق خواهد بود. در کل مقایسه اعداد فوق با حداقل

دستمزد فعلی، نشان‌دهنده شکاف عمیق میان درآمد و هزینه‌های واقعی زندگی است^۱. به طور کلی هرگونه تعیین مزد زیر این سقف، به معنای افت بهره‌وری، گسترش مشاغل غیررسمی و کاهش قدرت خرید واقعی جامعه کارگری خواهد بود که تبعات آن در بلندمدت به شکل رکود تورمی در بخش تولید نمایان می‌شود.

۷. سناریوهای محاسباتی دستمزد ۱۴۰۵

پس از استخراج دقیق هزینه سبد معیشت بر مبنای قیمت‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ و شناسایی شکاف عمیق میان درآمدها و هزینه‌های واقعی زندگی، گام نهایی در تدوین سیاست‌های مزدی سال ۱۴۰۵، طراحی سناریوهای عملیاتی است. این سناریوها با هدف پاسخگویی به چالش‌های مختلف اقتصادی از جمله توجه به مهار تورم، حفظ قدرت خرید و عدالت اجتماعی تنظیم شده‌اند.

در تدوین این سناریوها، تلاش شده است تا توازن میان «توان پرداخت بنگاه‌ها» و «نیازهای بیولوژیک و اجتماعی خانواده کارگری» برقرار شود. در ادامه، چهار سناریوی کلیدی برای تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵ ارائه می‌گردد که هر یک رویکرد متفاوتی را به مسئله معیشت دنبال می‌کند.

سناریوی اول: پوشش ۱۰۰ درصد تورم (حفظ وضعیت موجود)

در این سناریو، هدف تنها جلوگیری از کاهش بیشتر قدرت خرید است. حداقل دستمزد صرفاً به میزان تورم رسمی اعلامی از سوی مرکز آمار ایران تعدیل می‌شود. فرمول محاسبه حداقل دستمزد در این حالت عبارت است از: حداقل دستمزد سال جاری (WM) ضرب در یک به علاوه نرخ تورم رسمی (π). این سناریو خوش‌بینانه‌ترین حالت برای کارفرمایان است، اما شکاف تاریخی مزد و معیشت را دست‌نخورده باقی می‌گذارد.

$$WM_{t+1} = WM_t * (1 + \pi)$$

سناریوی دوم: تورم + ضریب عقب ماندگی

در این سناریو، علاوه بر نرخ تورم، درصدی تحت عنوان ضریب عقب ماندگی (جبران عقب ماندگی قدرت خرید سال‌های گذشته) لحاظ می‌گردد. فرمول محاسبه حداقل دستمزد در این حالت عبارت است از: حداقل دستمزد سال جاری (WM) ضرب در یک به علاوه مجموع نرخ تورم رسمی (π) و ضریب جبران عقب ماندگی (α). این رویکرد گامی به سمت «مزد شایسته» است و پیامی مثبت جهت بازگشت انگیزه به نیروی کار متخصص مخابره می‌کند.

$$WM_{t+1} = WM_t * (1 + \pi + \alpha)$$

۱. شایان ذکر است که در کلان‌شهرها به دلیل سهم بالاتر هزینه مسکن، این عدد می‌تواند تا ۳۰ درصد افزایش یابد.



سناریوی سوم: مبتنی بر دستمزد معیشتی

این سناریو بر اساس ماده ۴۱ قانون کار و محاسبات سبد معیشت طراحی شده است. در این سناریو حداقل دستمزد معادل هزینه سبد معیشت (LW) در آخر سال قبل تعیین می‌شود.

$$WM_{t+1} = LW_t$$

سناریوی چهارم: اجرای تدریجی حداقل دستمزد مبتنی بر رویکرد دستمزد معیشتی

اجرای سناریو سوم با توجه به اینکه فشار بالایی به هزینه‌های کسب و کارها وارد می‌کند و احتمال گرایش به بازار کار غیررسمی وجود دارد، بصورت تدریجی پیشنهاد می‌شود؛ به گونه‌ای با تعدیل و پیر کردن شکاف در سه سال آینده بتوان حداقل دستمزد معادل دستمزد معیشتی تعیین شود. در اینجا دستمزد بر اساس درصدی از هزینه سبد معیشت (LW) محاسبه می‌شود. فرمول محاسبه حداقل دستمزد در این حالت عبارت است از: هزینه سبد معیشت ضرب در ضریب پوشش β . برای تعیین ضریب پوشش، پیشنهاد می‌شود برای سال آینده ۷۰ درصد، دو سال آینده ۸۰ درصد و سه سال آینده ۱۰۰ درصد در نظر گرفته شود.

$$WM_{1405} = LW * \beta$$

این سناریو عملیاتی‌ترین راهکار برای خروج از بحران فقر شاغلین است و هدف آن نزدیک کردن دستمزد به رقم هزینه سبد معیشت می‌باشد.

جدول زیر سناریوهای محاسبه شده را نشان می‌دهد:

جدول ۶. سناریوهای پیشنهادی تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۵

سناریوها	فروض	حداقل دستمزد ۱۴۰۵ به هزار تومان	درصد افزایش نسبت به سال قبل	نکات سیاستی
۱	تورم سال ۱۴۰۵: ۵۰ درصد	۲۰,۲۳۶	۵۰ درصد	کم‌ریسک‌ترین گزینه برای بنگاه‌ها؛ مناسب شرایط رکود شدید، اما فاقد کارکرد رفاهی مؤثر
۲	تورم سال ۱۴۰۵: ۵۰ درصد ضریب عقب‌ماندگی: ۱۰ درصد	۲۱,۵۸۶	۶۰ درصد	مناسب شرایط رکود شدید و جبران بخشی از عقب‌ماندگی
۳	ضریب پوشش: ۱۰۰ درصد سبد معیشت: ۳۶۳۷۰۷۳۸ تومان	۳۶,۳۷۱	۱۶۹ درصد	اجرای کامل دستمزد معیشتی، کاملاً کارکرد رفاهی دارد، جبران کامل عقب‌ماندگی، به کارفرمایان فشار وارد می‌شود و مطابق با ماده ۴۱ است
۴	ضریب پوشش: ۷۰ درصد سبد معیشت: ۳۶۳۷۰۷۳۸ تومان	۲۵,۴۶۰	۸۹ درصد	اجرای تدریجی دستمزد معیشتی، کاملاً کارکرد رفاهی دارد، جبران عقب‌ماندگی، تا حدودی به کارفرمایان فشار وارد می‌شود و مطابق با ماده ۴۱ است

- بر اساس محاسبات انجام شده از سال ۱۳۸۰ به این سو، مبتنی بر رشد حداقل دستمزد و تورم، حداقل دستمزد ۱۰ درصد کمتر از تورم بوده است و لذا ضریب فوق ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است. ضمن آنکه در این محاسبه سطح حداقل دستمزد در سال ۱۳۸۰ لحاظ نشده است.
- ضریب پوشش به صورت تدریجی از ۷۰ درصد سال آینده، به ۸۰ درصد در سال ۱۴۰۶ و ۱۰۰ درصد سال ۱۴۰۷ افزایش خواهد یافت. بطوریکه در سه سال آینده، حداقل دستمزد مبتنی بر پوشش کامل دستمزد معیشتی شود.

بررسی تطبیقی سناریوهای پیشنهادی نشان می‌دهد که اتکای صرف به سناریوی پوشش تورم (سناریو دوم و سوم)، اگرچه از منظر کنترل هزینه‌های تولید جذاب است، اما عملاً منجر به تثبیت فقر شاغلان و تعمیق شکاف میان مزد و معیشت (در سناریو دوم کمتر از سناریو اول) می‌شود. در مقابل، سناریوی مزد معیشتی (سوم)، تنها گزینه‌ای است که به طور مستقیم با واقعیت‌های هزینه‌ای خانوار کارگری هم‌راستا است، هرچند اجرای ناگهانی آن می‌تواند برای بخشی از بنگاه‌ها چالش برانگیز باشد.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

از این رو، سناریوی چهارم که اجرای تدریجی سناریو سوم است که پوشش کامل تورم را با ترمیم تدریجی شکاف معیشتی تلفیق می‌کند، واقع‌بینانه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای گذار به نظام مزد شایسته در ایران محسوب می‌شود. این رویکرد ضمن رعایت الزامات ماده ۴۱ قانون کار، امکان برنامه‌ریزی میان‌مدت برای بنگاه‌ها و کاهش نااطمینانی در بازار کار را فراهم می‌سازد.

۸. امکان‌سنجی نهادی تحقق سناریوهای دستمزد ۱۴۰۵: تحلیل ساختار بازار کار ایران و تطبیق با تجارب بین‌المللی

پس از طراحی سناریوهای محاسباتی دستمزد ۱۴۰۵، پرسش کلیدی آن است که آیا ساختار نهادی بازار کار ایران امکان تحقق این سناریوها را فراهم می‌کند یا خیر. پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی چهار مؤلفه اساسی است: (۱) ساختار نهادی بازار کار، (۲) کارکرد نظام سه‌جانبه‌گرایی، (۳) توان تشکل‌های کارگری، (۴) وضعیت بنگاه‌ها و ظرفیت جذب هزینه‌های مزدی است.

ساختار نهادی بازار کار ایران و ظرفیت سیاست‌گذاری مزدی: بازار کار ایران از منظر نهادی، بازاری

نیمه‌دستوری، با تمرکز بالای تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری محدود است. حداقل دستمزد به صورت ملی و واحد تعیین می‌شود و نقش متغیرهایی چون بهره‌وری، اندازه بنگاه، منطقه جغرافیایی و ساختار صنعت، به طور نظام‌مند لحاظ نمی‌شود. این ساختار، تحقق سناریوی اول (پوشش تورم) را تسهیل می‌کند، زیرا: (۱) نیازمند تغییر نهادی نیست، (۲) با رویه‌های گذشته هم‌راستا است و (۳) کمترین تعارض را با منافع کوتاه‌مدت بنگاه‌ها دارد. در مقابل، سناریوهای سوم و چهارم مستلزم: ارتقای ظرفیت تحلیل هزینه‌زندی، پذیرش اصل «کفایت مزد» به جای «کنترل هزینه» و حرکت از منطق دستوری به منطق تنظیم‌گری هوشمند هستند. تجربه تطبیقی نشان می‌دهد کشورهایی مانند ترکیه، برزیل و مکزیک که ساختارهای نهادی مشابه ایران دارند، از طریق اصلاح تدریجی نهاد تعیین مزد (نه شوک مزدی) موفق به افزایش واقعی دستمزد شده‌اند.

نظام سه‌جانبه‌گرایی: ظرفیت بالقوه، کارکرد محدود: سه‌جانبه‌گرایی (دولت-کارفرما-کارگر) در ایران

به صورت حقوقی وجود دارد، اما از منظر عملی با محدودیت‌های جدی مواجه است: وزن دولت در تصمیم‌گیری غالب است، تشکل‌های کارگری قدرت چانه‌زنی مستقل ندارند و مذاکرات بیشتر شکلی از «اعلام تصمیم» است تا چانه‌زنی واقعی. در چنین شرایطی: سناریوی اول و دوم (تا حدودی) بدون اصطکاک نهادی قابل اجراست؛ سناریوی سوم و چهارم نیازمند تقویت نقش نمایندگان کارگری در مذاکرات است؛ سناریوی سوم بدون اصلاح جدی فرآیند سه‌جانبه‌گرایی، عملاً غیرقابل تحقق است.

مطالعات OECD نشان می‌دهد کشورهایی که در مذاکرات جمعی قویتر و پوشش گسترده‌تری دارند (مانند فنلاند، سوئد، اتریش و ایتالیا)، دارای سه‌جانبه‌گرایی فعال و حداقل دستمزد با دستمزد معیشتی فاصله اندکی دارد.

توان تشکل‌های کارگری و امکان فشار نهادی برای سناریوهای پیشرفته: تشکل‌های کارگری در

ایران پوشش محدودی از نیروی کار دارند، از استقلال مالی و نهادی کافی برخوردار نیستند و نقش آن‌ها در تعیین مزد عمدتاً مشورتی است. این وضعیت باعث می‌شود: سناریوی اول و تا حدودی دوم کاملاً مسلط باشد و سناریوی سوم و چهارم فاقد پشتوانه نهادی پایدار باقی بماند. مقایسه بین‌المللی نشان می‌دهد در کشورهایی با پوشش بالای تشکل‌ها (بیش از ۵۰ درصد نیروی کار)، حداقل دستمزد معمولاً بین ۵۰ تا ۶۰ درصد میان‌مزد تعیین می‌شود؛ در حالی که در ایران این نسبت به مراتب پایین‌تر است.

وضعیت بنگاه‌ها و توان جذب افزایش دستمزد: بنگاه‌های ایرانی از نظر توان پرداخت، ناهمگن

هستند. بنگاه‌های بزرگ و شبه‌دولتی توان جذب سناریوی سوم را دارند، بنگاه‌های کوچک و کم‌بهره‌وری در برابر شوک مزدی آسیب‌پذیرند. این واقعیت ایجاب می‌کند که سناریوی مزد معیشتی به صورت تدریجی، پلکانی (سناریو چهارم) و ترجیحاً منطقه‌ای / صنفی اجرا شود، با سیاست‌های مکمل مانند: کاهش هزینه بیمه، مشوق‌های مالیاتی و برنامه‌های ارتقای بهره‌وری همراه باشد. تجربه تطبیقی نشان می‌دهد در برزیل و اندونزی، افزایش حداقل دستمزد همزمان با حمایت هدفمند از بنگاه‌های کوچک اجرا شده است.

بطور کلی بررسی ساختار نهادی بازار کار ایران نشان می‌دهد که سناریوی دوم قابلیت اجرایی دارد؛ لیکن با توجه به اینکه قدرت خرید حداقل‌بگیران بشدت کاهش خواهد یافت، اجرای سناریو چهارم همراه با سیاست‌های مکمل برای بنگاه‌های کوچک و متوسط (پوشش تورم + ترمیم تدریجی شکاف معیشتی) گزینه‌ای است که اهداف توأمان حداقل‌بگیران و کارفرمایان را در نظر گرفته و هم با تجارب موفق کشورهای مشابه هم‌خوانی دارد. سناریو سوم یعنی تحقق مزد معیشتی به‌عنوان افق میان‌مدت و همراه با بازتعریف نقش سه‌جانبه‌گرایی و تقویت تشکل‌ها در دستور کار باشد.



۹. برآورد کمی اثر افزایش دستمزد بر قیمت‌ها

تا اینجا، گزارش نشان داد که شکاف میان حداقل دستمزد و هزینه واقعی معیشت خانوار کارگری، نه تنها یک مسأله رفاهی، بلکه یک چالش ساختاری برای بازار کار و پایداری تولید در اقتصاد ایران است. همچنین، با طراحی سناریوهای مختلف دستمزدی برای سال ۱۴۰۵، مشخص شد که هرگزین سیاستی، پیامدهای متفاوتی برای عدالت اجتماعی، انگیزه نیروی کار و توان بنگاه به همراه دارد. با این حال، نقطه ضعف اصلی بسیاری از مناقشات پیرامون افزایش دستمزد، فقدان شواهد کمی روشن درباره اثر واقعی آن بر تورم و سایر متغیرهای کلان اقتصادی است.

در فضای سیاستگذاری ایران، اغلب در پیش‌بینی آثار سیاستی، فرض می‌شود که افزایش حداقل دستمزد به‌طور مستقیم و شدید منجر به افزایش تورم می‌شود؛ درحالی‌که این فرض هم در ادبیات تجربی بین‌المللی و هم در بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی، محل تردید جدی است، از این‌رو، برای داوری منصفانه میان سناریوهای افزایش دستمزد، ضروری است این فرض به صورت **آزمون‌پذیر و داده‌محور** مورد بررسی قرار گیرد. هدف این بخش، برآورد کمی اثر افزایش حداقل دستمزد بر تورم و پاسخ به این پرسش کلیدی سیاست‌گذار است که «افزایش حداقل دستمزد تا چه حد می‌تواند تورم‌زا باشد و آیا این اثر به اندازه‌ای هست که مانع ترمیم معیشت نیروی کار شود؟». این سؤال به‌ویژه برای بخش صنعت و بنگاه‌های تولیدی اهمیت دارد؛ چرا که هم با هزینه نیروی کار و هم با تقاضای بازار در ارتباط مستقیم است.

لازم به توضیح است که افزایش حداقل دستمزد به میزان ۵۰ درصد در سناریو اول با لحاظ درصد افراد مشمول حداقل دستمزد (۷٫۵ درصد) و تأثیر حداقل دستمزد بر سطح عمومی دستمزدها (تأثیر ۸۰ درصدی حداقل دستمزد بر سطوح عمومی دستمزدها) به ۴۰ درصد می‌رسد. لذا به منظور برآورد اثرات در مدل، تکانه ۴۰ درصد شبیه‌سازی شده است.

در این مطالعه به منظور برآورد اثرات افزایش حداقل دستمزد بر شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت، معدن و تجارت از روش ماتریس حسابداری اجتماعی استفاده شده است.

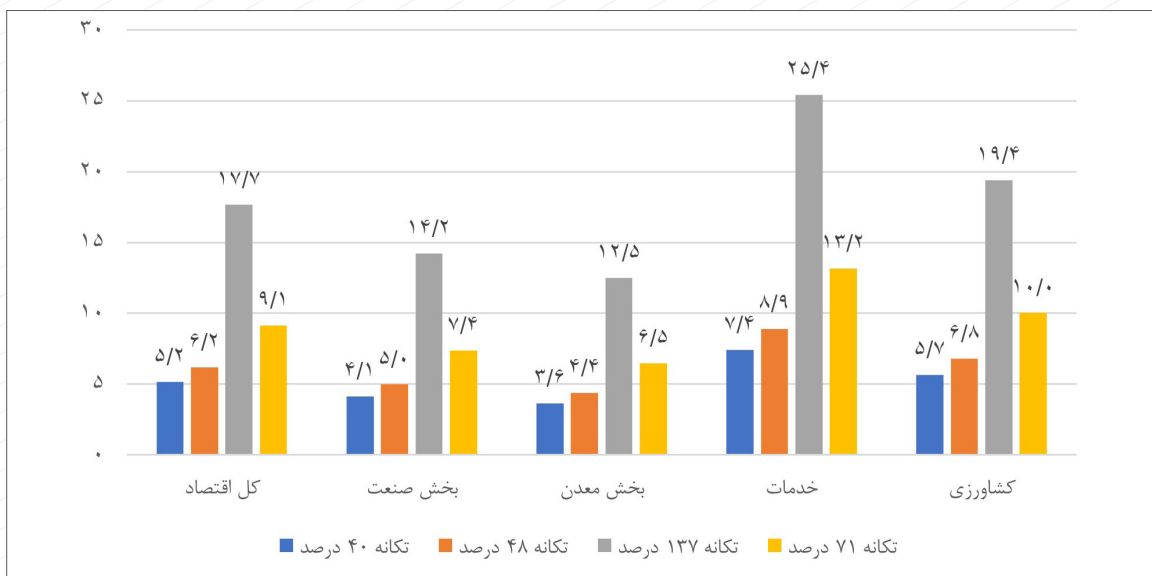
با توجه به فروض بالا اثر افزایش تکانه حداقل دستمزد بر بخش تولید و به‌ویژه شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) حایز اهمیت است. لازم به ذکر است اثر این تکانه چون یکبار در سال است صرفاً قیمت تولیدکننده را در سطح بالاتری قرار می‌دهد و اثر چرخه‌ای در اقتصاد ندارد (در واقع این سیاست تورم را افزایش می‌دهد لیکن مجدداً دستمزدها افزایش نمی‌یابند).

اثر تکانه ۴۰ درصد حداقل دستمزد، قیمت تولیدکننده در اقتصاد ۶٫۶ درصد افزایش خواهد یافت. این افزایش برای بخش‌های صنعت و معدن کمتر از میانگین کل کشور و به ترتیب ۵٫۳ و ۴٫۶ درصد خواهد بود. بخش خدمات به دلیل سهم بالای نیروی کار در آن ۹٫۴ درصد شاخص قیمت تولیدکننده را افزایش خواهد داد. در بخش کشاورزی نیز افزایش شاخص قیمت تولیدکننده ۷٫۲ درصد پیش‌بینی شده است.^۲

۱. عدد ۴۰ درصد از این رابطه حاصل شده است: سهم تعداد افراد حداقل دستمزد بگیر (۷٫۵ درصد) * افزایش حداقل دستمزد (۵۰ درصد) + سهم افراد غیر دریافت‌کننده حداقل دستمزد (۹۲٫۵ درصد) * افزایش حداقل دستمزد (۵۰ درصد) * همبستگی میان مدت حداقل دستمزد با سطح عمومی دستمزدها (۸۰ درصد).

۲. براساس برآوردهای مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

همچنین باید اشاره داشت به دلیل قدرت چانه‌زنی اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی در بخش صنعت، امکان افزایش سایر اقلام مندرج در جبران خدمات کارکنان (بن کارگری، مسکن، حق اولاد و...) در مقایسه با سایر بخش‌ها نظیر خدمات وجود دارد.



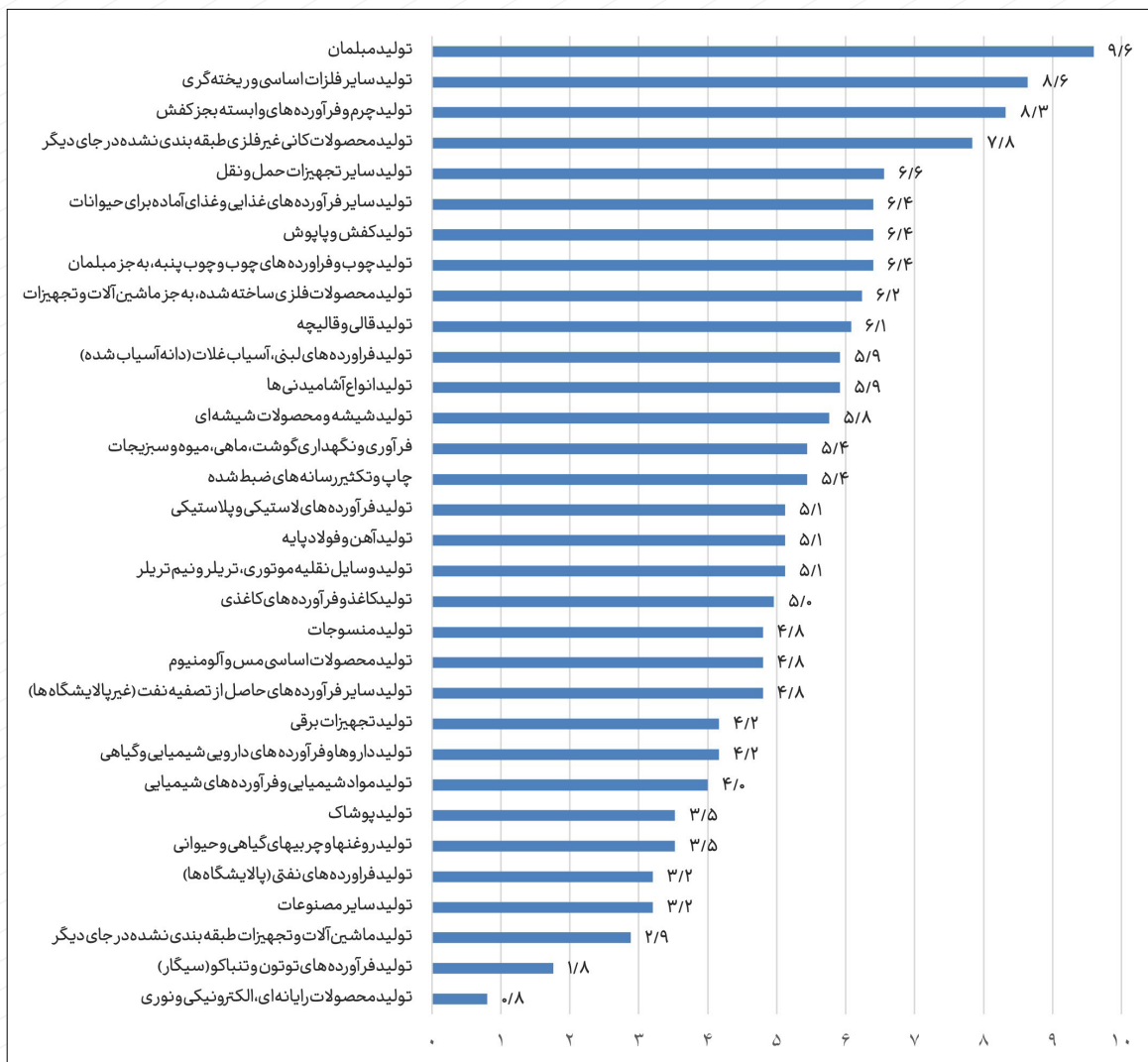
نمودار ۹. اثر افزایش حداقل دستمزد بر شاخص قیمت تولیدکننده

همچنین به منظور افزایش ضریب اطمینان تأثیرات حداقل دستمزد بر شاخص کلیدی بخش صنعت و معدن، سعی شد از سایر مطالعات انجام شده در نهادهای دیگر نیز بهره گرفته شود. دو مطالعه که به برآورد اثرات حداقل دستمزد در کشور پرداخته‌اند، در جدول زیر آمده است. براساس جدیدترین نتایج مطالعه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، در صورت افزایش ۴۰ درصد دستمزدها شاخص قیمت تولیدکننده ۵٫۲ درصد و شاخص قیمت مصرف‌کننده ۴٫۴ درصد افزایش خواهد یافت.

همچنین در نمودار (۱۰) اثر افزایش ۴۰ درصد در حداقل دستمزد بر قیمت تولیدکننده فعالیت‌های بخش صنعت براساس روش ماتریس حسابداری اجتماعی برآورد شده است. براساس اطلاعات فوق، تولید مبلمان، تولید سایر فلزات اساسی و تولید چرم و فرآورده‌های وابسته بیشترین رشد را تجربه خواهند کرد (با توجه به کاربرد بودن فعالیت‌های تولید مبلمان و تولید چرم و فرآورده‌های وابسته، انتظار می‌رفت که افزایش در شاخص قیمت این فعالیت بالا باشد). در مقابل تولید محصولات رایانه‌ای و تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو دارای کمترین رشد در شاخص قیمت تولیدکننده خواهند بود.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد



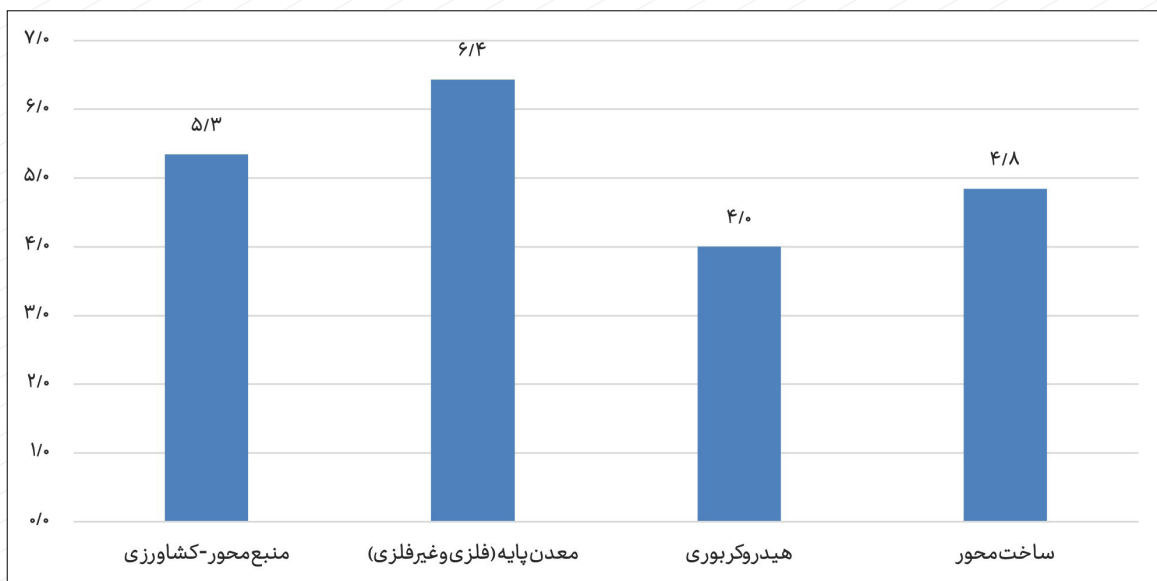
نمودار ۱۰. اثر افزایش حداقل دستمزد بر شاخص قیمت تولیدکننده در زیر گروه‌های بخش صنعت و معدن

کدهای آیسیک دو رقمی بخش صنعت را می‌توان در چهار زیرگروه شامل صنایع منبع پایه (کشاورزی پایه و معدن پایه) و هیدروکربوری و ساخت محور طبقه بندی کرد^۱.

نمودار زیر نشان می‌دهد شاخص قیمت تولیدکننده در زیر گروه معدن پایه در مقایسه با بقیه بخش‌ها بیشتر از افزایش دستمزد تأثیر می‌پذیرد و صنایع هیدروکربوری به جهت سرمایه‌بر بودن کمتر از بقیه، افزایش شاخص قیمت تولیدکننده را تجربه خواهد کرد.

۱. صنایع منبع-پایه - کشاورزی پایه شامل نه فعالیت غذایی، آشامیدنی، توتون و تنباکو، منسوجات، پوشاک، چرم، چوب و کاغذ است؛ صنایع منبع-پایه - معدن پایه شامل چهار فعالیت معدنی غیر فلزی و فلزات پایه است؛ صنایع هیدروکربوری شامل فعالیتهای فرآورده‌های نفتی، مواد شیمیایی و تولید سایر فرآورده‌های حاصل از تصفیه نفت است؛ صنایع ساخت پایه شامل فعالیتهای دارو، رایانه، تجهیزات حمل و نقل و تعمیر و نصب ماشین-آلات، لاستیک و پلاستیک، فلزی، تجهیزات برقی، ماشین-آلات طبقه-بندی نشده، وسایل نقلیه، مبلمان و مصنوعات طبقه-بندی نشده در جای دیگر و چاپ است





نمودار ۱۱. اثر افزایش حداقل دستمزد بر شاخص قیمت تولیدکننده به تفکیک منبع پایه و ساخت پایه

نتایج جدول زیر اثرات درجات مختلف شوک‌ها را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، در سناریو چهارم (سناریوی پیشنهادی) شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده به ترتیب ۹٫۱ و ۷٫۸ درصد افزایش خواهند یافت.

جدول ۷. اثرات افزایش دستمزدها بر شاخص‌های تورم تحت سناریوهای مختلف

روش برآورد	شاخص قیمت مصرف‌کننده				شاخص قیمت تولیدکننده				مطالعات	سازمان
	۷۱	۱۳۷	۴۸	۴۰	۷۱	۱۳۷	۴۸	۴۰		
									تکانه وارده بر حداقل دستمزد	
مدل اقتصادسنجی	-	-	-	-	۱۴٫۲	۲۷٫۴	۹٫۶	۸	معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE)	۹٫۱	۱۷٫۵	۶٫۱	۵٫۱	۱۲٫۲	۲۳٫۶	۸٫۳	۶٫۹	کشاورز حداد و همکاران (۱۴۰۱)	وزارت امور اقتصادی و دارایی
مدل اقتصادسنجی	۷٫۸	۱۵٫۱	۵٫۳	۴٫۴	۹٫۱	۱۷٫۷	۶٫۲	۵٫۲	مؤسسه پژوهش‌های بازرگانی ۱۴۰۴	مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
	۸٫۴	۱۶٫۳	۵٫۷	۴٫۸	۱۱٫۹	۲۲٫۹	۸٫۰	۶٫۷	برآیند مطالعات (متوسط اثرات)	

حتی افزایش ۱۰۰ درصدی مزد، از شوک‌های رایج اقتصاد ایران کوچک‌تر است. افزایش حداقل دستمزد، به‌تنهایی موتور تورم نیست. اثر تورمی مزد کوچک، تدریجی و قابل مدیریت است. اما سرکوب دستمزد، بهره‌وری کار را کاهش می‌دهد و تقاضای داخلی برای محصولات صنعتی را تضعیف می‌کند.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۲۲)، کاهش واقعی دستمزدها در اقتصادهای با تورم بالا می‌تواند منجر به کاهش رشد بهره‌وری نیروی کار، کیفیت شغل و سرمایه انسانی شود. این اثر به‌ویژه در کشورهایی شدیدتر است که بازار کار آن‌ها با نااطمینانی، ضعف پوشش‌های حمایتی و محدودیت در ارتقای مهارت‌ها مواجه است؛ شرایطی که شباهت بالایی با ساختار بازار کار ایران دارد. هم‌زمان، مطالعات بانک جهانی (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که فشارهای معیشتی بر نیروی کار، به‌ویژه در محیط‌های تورمی، منجر به گسترش اشتغال غیررسمی می‌شود. برآوردهای این نهاد حاکی از آن است که افت درآمد واقعی می‌تواند سهم اشتغال غیررسمی را تا ۳-۶ واحد درصد افزایش دهد، زیرا نیروی کار برای جبران کاهش قدرت خرید، به سمت مشاغل کم‌کیفیت، ناپایدار و فاقد پوشش بیمه‌ای سوق داده می‌شود.

این الگو با تحولات بازار کار ایران نیز هم‌راستا است. داده‌های رسمی نشان می‌دهد که سهم اشتغال غیررسمی در کشور از حدود ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۵ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. این افزایش هم‌زمان با دوره تشدید تورم، کاهش دستمزد واقعی و افت قدرت خرید نیروی کار رخ داده و نشان‌دهنده واکنش ساختاری بازار کار به فشارهای معیشتی است.

۱۰. جمع‌بندی و پیشنهادات

در این گزارش با هدف تعیین حداقل دستمزد در کشور برای سال ۱۴۰۵، وضعیت جاری بازار کار از منظر حداقل دستمزد و شکاف آن با تورم، نتایج مطالعات داخلی و بین‌المللی و نهایتاً تدوین سناریوها و اثرات اقتصادی آنها بر شاخصهای تورم مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است. بر این اساس نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد:

رشد تاریخی دستمزد حقیقی: بررسی رشد مثبت دستمزد واقعی نشان می‌دهد که در بازار کار ایران

دوره تحریم‌های ابتدای دهه ۱۳۹۰ و دوره دوم از سال ۱۳۹۷ دستمزد حقیقی با رشد منفی مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که از ابتدای سالهای دهه هشتاد تا ۱۴۰۳ نزدیک به ۱۰ درصد از قدرت خرید حداقل بگیران (صرفاً بر اساس رشد دستمزد حقیقی) کاسته شده است. همچنین در سال‌های اخیر (به ویژه از ۱۴۰۲ به بعد)، تورم از رشد دستمزد اسمی پیشی گرفته و شکاف به زیان کارگران گسترش یافته است.

شکاف عمیق میان حداقل دستمزد و هزینه معیشت: بر اساس محاسبات دقیق مبتنی بر سبد

غذایی مطلوب وزارت بهداشت و داده‌های رسمی مرکز آمار، هزینه معیشت یک خانوار کارگری ۳۰۳ نفری در دی ماه ۱۴۰۴ معادل ۳۶۰۴ میلیون تومان برآورد شده است، در حالی که حداقل دستمزد سال ۱۴۰۴ تنها حدود ۱۳۰۵ میلیون تومان بوده است. این شکاف نشان‌دهنده ناتوانی حداقل دستمزد در تأمین حداقل نیازهای زندگی است.

تضعیف قدرت خرید و پیامدهای رکودی: کاهش مستمر قدرت خرید دستمزد واقعی (حدود ۱۱ درصد

از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ و در دهه نود ۸۰ درصد) نه تنها به فقر شاغلان منجر شده، بلکه از طریق کاهش تقاضای مؤثر داخلی، رکود در بخش تولید را تشدید کرده است. بر اساس ماتریس حسابداری اجتماعی، هر ۱ درصد کاهش در مصرف داخلی، حدود ۱۰۲ درصد کاهش در تولید صنعتی به همراه دارد.

ساختار نهادی ناکارآمد بازار کار: نظام تعیین دستمزد در ایران نسبتاً متمرکز، غیرمنعطف و فاقد

توجه کافی به تفاوت‌های منطقه‌ای، صنفی و بهره‌وری است. نقش تشکلهای کارگری در فرآیند چانه‌زنی ضعیف بوده و سه‌جانبه‌گرایی موجود از گستردگی و پوشش کمی برخوردار است.

مقایسه حداقل دستمزد در ایران و کشورهای منتخب:

- ایران نه تنها در سطح مطلق حداقل دستمزد واقعی از برخی کشورهای هم‌تراز خود پایین‌تر است، بلکه از نظر شاخص عدالت توزیعی (سهام حداقل دستمزد از تولید ناخالص داخلی) نیز در جایگاه مناسبی قرار ندارد. این آمار نشان‌دهنده تلاش بیشتر برای بهبود توزیع عادلانه ثروت و فشار کمتر بر نیروی کار کم‌درآمد است.
- شاخص عدالت توزیعی (نسبت حداقل دستمزد به سرانه تولید ناخالص): ایران با نسبت ۳٫۱ درصد در میانه جدول قرار دارد. کشورهایی مانند پاکستان (۹٫۱ درصد)، تونس (۳٫۷ درصد) و مصر (۴٫۶ درصد) سهم بالاتری را به کارگران حداقل دستمزد اختصاص می‌دهند.



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

■ حداقل دستمزد واقعی ایران (۶۱۵ دلار) از مصر (۸۸۰ دلار) و اوکراین (۷۴۰ دلار) به طور محسوسی پایین‌تر، اما از برزیل (۵۵۹ دلار) و آذربایجان (۶۵۵ دلار) در سطحی مشابه یا کمی پایین‌تر است. این نشان می‌دهد با وجود سطح درآمد سرانه نسبتاً مشابه، سیاست توزیعی و حمایت از نیروی کار در مصر و اوکراین قوی‌تر از ایران بوده است.

تجارب بین‌المللی و حرکت به سمت دستمزد معیشتی: بسیاری از کشورها، به ویژه در اتحادیه

اروپا، به سمت تعیین حداقل دستمزد بر مبنای معیارهای کفایت (مانند ۶۰ درصد میانگین دستمزد) یا محاسبه هزینه واقعی زندگی حرکت کرده‌اند. این رویکرد نه تنها عدالت اجتماعی را بهبود بخشیده، بلکه با تقویت تقاضا و بهره‌وری، به پایداری رشد اقتصادی کمک کرده است.

افزایش حداقل دستمزد لزوماً تورم‌زای شدید نیست:

■ مطالعات تجربی داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد که اثر تورمی افزایش حداقل دستمزد مثبت اما محدود است. برآوردها حاکی از آن است که افزایش ۴۰ درصدی حداقل دستمزد، شاخص قیمت تولیدکننده را تنها حدود ۵٫۲ درصد و شاخص قیمت مصرف‌کننده را ۴٫۴ درصد افزایش خواهد داد. بر اساس سناریو پیشنهادی (سناریو چهارم) شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده به ترتیب ۹٫۱ و ۷٫۸ درصد افزایش خواهد یافت.

■ اثر افزایش ۴۰ درصد در حداقل دستمزد نیروی کار بر قیمت تولیدکننده فعالیت‌های بخش صنعت حاکی از آن است که تولید مبلمان، تولید سایر فلزات اساسی و تولید چرم و فرآورده‌های وابسته بیشترین رشد را تجربه خواهند کرد. در مقابل تولید محصولات رایانه‌ای و تولید فرآورده‌های توتون و تنباکو دارای کمترین رشد شاخص قیمت تولیدکننده خواهند بود.

■ مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که کاهش واقعی دستمزدها در اقتصادهای با تورم بالا می‌تواند منجر به کاهش رشد بهره‌وری نیروی کار، کیفیت شغل و سرمایه انسانی شود. این اثر به ویژه در کشورهایی شدیدتر است که بازار کار آن‌ها با ناطمینانی، ضعف پوشش‌های حمایتی و محدودیت در ارتقای مهارت‌ها مواجه است؛ شرایطی که شباهت بالایی با ساختار بازار کار ایران دارد.

■ همچنین، فشارهای معیشتی بر نیروی کار، به ویژه در محیط‌های تورمی، منجر به گسترش اشتغال غیررسمی می‌شود. برآوردهای این نهاد حاکی از آن است که افت درآمد واقعی می‌تواند سهم اشتغال غیررسمی را تا ۳-۶ واحد درصد افزایش دهد، زیرا نیروی کار برای جبران کاهش قدرت خرید، به سمت مشاغل کم‌کیفیت، ناپایدار و فاقد پوشش بیمه‌ای سوق داده می‌شود.

■ این الگو با تحولات بازار کار ایران نیز هم‌راستا است. داده‌های رسمی نشان می‌دهد که سهم اشتغال غیررسمی در کشور از حدود ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۵ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۲

افزایش یافته است. این افزایش هم‌زمان با دوره تشدید تورم، کاهش دستمزد واقعی و افت قدرت خرید نیروی کار رخ داده و نشان‌دهنده واکنش ساختاری بازار کار به فشارهای معیشتی است.

❖ ضرورت توجه به تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای:

- پراکندگی نرخ تورم میان مناطق: دامنه تغییرات (پراکندگی) نرخ تورم در میان استان‌های کشور ۱۷ واحد درصد است که کمترین آن متعلق به تهران و بیشترین آن به استان سمنان اختصاص دارد و استان‌های اصفهان، زنجان، قم و همدان نزدیک به میانگین کشوری هستند.
- پراکندگی فقر در میان مناطق: با وجود متوسط ۳۱ درصدی نرخ فقر در کشور، در استان‌هایی نظیر قم و خراسان شمالی نرخ فقر بالای ۵۰ درصد وجود دارد. دامنه اختلاف نرخ فقر در دو گروه استان‌های دارای بالاترین و پایین‌ترین نرخ فقر حدود ۳۴ درصد است.
- تفاوت در هزینه زندگی در میان مناطق: بررسی‌ها نشان می‌دهد استان تهران دارای بالاترین هزینه زندگی در میان استان‌های کشور است و استان‌های البرز و مازندران بعد از آن قرار دارند. استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان و ایلام بیشترین فاصله هزینه‌ای را با استان تهران دارند که نشان می‌دهد این استان‌ها در مقایسه با استان تهران هزینه زندگی کمتری دارند.
- تفاوت بالا در هزینه مسکن مناطق: مطابق آمار هزینه خانوارها، هزینه مسکن در استان تهران بیشترین و در استان کهگیلویه و بویراحمد کمترین مقدار است، به‌گونه‌ای که هزینه مسکن در این استان ۰٫۳۳ استان تهران می‌باشد. این سهم نشان می‌دهد که هزینه مسکن در شهر تهران سه برابر استان کهگیلویه و بویراحمد است.

❖ به‌طورکلی، مقایسه آمارهای تفاوت منطقه‌ای تورم، هزینه‌های زندگی، فقر در میان استان‌های کشور و هزینه مسکن، ضرورت تعیین دستمزد منطقه‌ای را برای دولت به‌منظور خروج از نابرابری‌های درآمدی امری اجتناب‌ناپذیر کرده است.

❖ بررسی الزامات و پیش‌نیازهای تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای نشان می‌دهد برای اجرای این سیاست نیاز است ساختار و نهادهای محلی، سازوکارهای موردنیاز تعیین حداقل دستمزد مشخص گردند.

❖ تجربه کشورها در پیاده‌سازی حداقل دستمزد مبتنی بر صنایع نشان می‌دهد که اقلیتی از کشورها از این شیوه استفاده می‌کنند. شیوه تعیین این نوع حداقل دستمزد در کشورهای مورد بررسی بر اساس قوی یا ضعیف بودن تشکل کارگری متفاوت است.

❖ بررسی شیوه تعیین دستمزد بر اساس صنایع در کشورهای مورد بررسی نشان می‌دهد که این شیوه جهت اجرا نیازمند ظرفیت و الزامات اجرایی خاصی از جمله موارد زیر است:



تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد

- توجه به رویکرد توسعه‌ای و استفاده از این سیاست در مسیر توسعه صنعتی؛
- انتخاب صنایع هدف مناسب (استفاده از ظرفیت ماده ۴۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت و تدوین سند مورد نظر برای هدف‌گذاری صنایع)؛
- انتخاب مشاغل جهت حمایت (نظیر مشاغل سخت و زیان‌آور در هر صنعتی)؛
- ایجاد نهادهای موردنیاز برای اجرای سیاست موردنظر؛
- نیاز به معیارهای مرتبط با اجرایی‌سازی حداقل دستمزد بر اساس صنایع؛
- پشتیبانی نظام آمار و اطلاعات بازار کار کشور مرتبط با بنگاه‌های کوچک؛

تجربه کشورها نشان می‌دهد که سیستم‌های پیچیده‌تر تعیین دستمزد هر چند امکان انعطاف بر اساس مناطق، بخش‌ها و فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما به ظرفیت نهادی بیشتری نیاز دارد و در مواردی سیستم‌هایی که بیش از حد پیچیده هستند، کارایی خود را از دست می‌دهند و ممکن است در برخی اوقات در چانه‌زنی جمعی بین کارگران و کارفرمایان اختلال ایجاد کنند. همچنین تمرکز صرف بر رویکرد حمایتی و عدم رعایت اصل دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر، ممکن است تبعیض و بی‌عدالتی را افزایش دهد؛ به‌ویژه زمانی که حداقل دستمزد بر اساس بخش یا طبقه شغلی تعیین می‌شود.

کمبود پیش‌نیازهای نظام اطلاعاتی پشتیبان (تعیین حداقل دستمزد در مناطق و صنایع)، ساختار و حوزه نهاد، ابزارها و معیارها و... اجازه اجرای حداقل دستمزد بر اساس مناطق و صنایع در کوتاه‌مدت را بسیار مشکل می‌سازد. در سطح جهانی حدود ۵۰ درصد کشورهای جهان از شیوه حداقل دستمزد ملی بهره می‌برند و حداقل دستمزد در حدود ۳۰ درصد کشورها به صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود. گرچه با توجه به تفاوت‌های شدید هزینه‌های زندگی در مناطق کشور و تفاوت نرخ‌های تورم در این مناطق؛ ضروری است دولت ضمن تدارک پیش‌نیازهای لازم، نسبت به تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای اقدام نماید.

پیشنهادهای

تداوم سیاست افزایش حداقل دستمزد به میزان کمتر از تورم، منجر به تعمیق فقر شاغلان و تضعیف تقاضای داخلی، بحران رکود تورمی را تشدید خواهد کرد.

راه حل واقع بینانه، اجرای برنامه‌ای تدریجی، اما قاطع برای رساندن دستمزد به سطح معیشت، همراه با بسته‌های حمایتی از بنگاه‌های آسیب‌پذیر و اصلاحات نهادی در حکمرانی بازار کار است. این مسیر اگرچه در کوتاه مدت چالش برانگیز است، اما در میان مدت با افزایش رفاه، تقویت تقاضا، ارتقای بهره‌وری و کاهش نارضایتی اجتماعی، به ثبات و رشد پایدار اقتصاد ایران کمک شایانی خواهد کرد.

لذا پیشنهاد می‌شود سناریوی چهارم (افزایش ۸۹ درصدی در سال ۱۴۰۵ به عنوان گام اول برنامه سه‌ساله) با مبلغ ۲۵۴۶۰ هزار تومان (شامل حق مسکن و بن کارگری) با مکانیزم‌های شفاف محاسبه و همراه با بسته حمایتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط (نظیر تخفیف در بیمه، کاهش مالیات به میزان ۵ درصد، برنامه ارتقاء بهره‌وری و ...) به عنوان سیاست مکمل در دستور کار شورای عالی کار و نهادهای سیاست‌گذار اقتصادی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد میشود در تعیین حداقل دستمزد، دولت بجای ایفای نقش میانجی‌گری، با تحلیل متغیرهای کلان اقتصادی کشور و تأثیرات آن بر معیشت کارگران (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)، با راهبرد مشخصی در جلسات مشارکت داشته باشد. ضمناً بر اساس اصل برابری در تعیین حداقل دستمزد، نقش و قدرت چانه‌زنی شرکای اجتماعی در جلسات یکسان باشد.

در خصوص تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای و صنایع پیشنهاد می‌شود:

↳ ضروری است دولت با تشکیل کارگروهی متشکل از نماینده کارگران، کارفرمایان، متخصصان مستقل

و کارشناسان حوزه سیاست‌گذاری (گروه متخصصین) جهت پیاده‌سازی سیستم حداقل دستمزد منطقه‌ای نسبت به بحث و بررسی و نهایی سازی موارد زیر اقدام نماید:

- اضافه شدن شاخص‌های جدید برای تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای
- تعریف شاخص‌های تعیین حداقل دستمزد صنایع
- منطقه‌بندی کشور بر اساس شاخص‌های تعیین شده
- تعیین شاخص‌های مرتبط با حداقل دستمزد صنایع و مشاغل و انتخاب صنایع و مشاغل هدف
- ایجاد ظرفیت‌های قانونی و نهادی مورد نیاز اجرای سیاست حداقل دستمزد منطقه‌ای و صنایع.

↳ به دلیل تفاوت فراوان در استان‌های کشور به لحاظ هزینه‌های زندگی، تدوین حداقل دستمزد ملی با چالش فراوانی روبرو است. از این رو در کوتاه مدت پیشنهاد می‌شود دولت با استفاده از شاخص ترکیبی فقر، تورم و هزینه مسکن (سهم بالای آن در سبد هزینه زندگی خانوارها) نسبت به تعریف ضریب تعدیل‌کننده تعیین حداقل دستمزد منطقه‌ای اقدام نماید.



۱. صمدیان، فرزانه (۱۴۰۱). آثار اجرای سیاستهای بودجه ای ۱۴۰۱ و مصوبه حداقل دستمزد شواری عالی کار بر بخش تولید، مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.
۲. نادری، ع.، جوان آراسته، ح.، و ابراهیمیان، ح. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی تعیین مزد کارگران و راهکارهای اصلاحی آن با نگاهی به رویه قضایی دیوان عدالت اداری. حقوق اداری. doi: 10.22034 / 2024.2030676.1612
۳. ساجدی، م.، امینی فرد، ع.، نونزاد، م.، و حقیقت، ع. (۱۳۹۸). بررسی اثر حداقل دستمزد بر متغیرهای اقتصاد کلان ایران در چارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۷(۳۷)، 177-210. doi: 10.29252 / jemr.10.37.177
۴. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۴۰۰). پایش فقر در سال ۱۳۹۹. تهران: معاونت رفاه اجتماعی، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی با همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۵. فولادی مقدم، ش. (۱۴۰۳). بررسی اشتغال و حداقل دستمزد از منظر فقر (شماره مسلسل ۲۳۰۲۰۵۱۶). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات بخش عمومی.
۶. نگهداری، ا.، پیریایی، خ.، کشاورز حداد، غ.، و حقیقت، ع. (۱۳۹۳). برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون-گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران دوره ۱۳۹۰-۱۳۷۰). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه، ۱۹(۱)، ۳-۳۰.
۷. سلیمانی، م.، و همکاران. (۱۳۹۶). محاسبه حداقل دستمزد در سازمان‌ها با بررسی تطبیقی نظام پرداخت در ایران. ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، تهران. (بازیابی شده از پایگاه جویشگر علمی علم‌نت).
۸. فرهادی پور، م. (۱۳۹۷). پیشنهاد الگو و روش تعیین حداقل دستمزد با رویکرد منطقه‌ای در ایران (گزارش کارشناسی شماره ۲۴۴). تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۹. عزیزخانی، فاطمه (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی تعیین حداقل دستمزد در ایران: امکان‌سنجی تعیین حداقل دستمزد بر اساس صنایع. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۰. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، بررسی ساختار مزد و حداقل مزد، ۱۳۷۳.
۱۱. فرهادی پور، محمدرضا، (۱۳۹۷). پیشنهاد الگو و روش تعیین حداقل دستمزد با رویکرد منطقه‌ای در ایران، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی
۱۲. کشاورز حداد و همکاران، ارائه الگو شبیه‌سازی برای بررسی افزایش حداقل دستمزد بر شاخص‌های اقتصادی (تورم، رشد اقتصادی، اشتغال، رفاه (وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت اقتصادی
۱۳. عزیزخانی، فاطمه (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی تعیین حداقل دستمزد در ایران: بررسی ساختار تصمیم‌گیری تعیین دستمزد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۴. سازمان ملی بهره‌وری ایران، ۱۴۰۱، تحلیلی بر سیاست افزایش حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۱
۱۵. معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال آذرماه ۱۳۹۹
۱۶. مؤمنی، لیلا (۱۳۹۹)، تحلیل دستمزد شاغلان بخش خصوصی (مبتنی بر داده‌های هزینه درآمد خانوار) به تفکیک بخش‌ها، مناطق و دهک‌ها، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی
۱۷. نجفی کاج‌آباد، قاسم، (۱۳۹۰)، نگاهی به روشهای تعیین حداقل دستمزد و شیوه‌های اجرای آن در برخی کشورها و ایران، کار و جامعه
۱۸. عزیزخانی، فاطمه (۱۴۰۲)، دستمزد منطقه‌ای در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.



19. Balestra, C., Hirsch, D., & Vaughan-Whitehead, D. (2023). Living wages in context: A comparative analysis for OECD countries (OECD Papers on Well-being and Inequalities, Working Paper No. 13). OECD Well-being, Inclusion, Sustainability and Equal Opportunity Centre (WISE). <https://doi.org/10.1787/2e622174-en>.
20. Lemos, S. (2004). The effect of the minimum wage on prices (IZA Discussion Paper No. 1072). Bonn, Germany: Institute for the Study of Labor (IZA).
21. Anker, R., & Anker, M. (2017). Overview of the Anker living wage methodology. In *Living Wages Around the World: Manual for Measurement* (pp. 19-34). Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/10.4337/9781786431462.00010>
22. Luebker, M., & Schulten, T. (2025). Reorientation of minimum wage policy leads to real increases: WSI Minimum Wage Report 2025 (WSI Report No. 100e). Düsseldorf, Germany: Institute of Economic and Social Research (WSI) of the Hans Böckler Foundation.
23. International Labour Organization. (2025). A methodology to estimate the needs of workers and their families for the purpose of wage setting, including living wages. Geneva: International Labour Office.
24. Anker, R., & Anker, M. (2013). A shared approach to estimating living wages: Short description of the agreed methodology. Global Living Wage Coalition.
25. Dawani, K., Sayeed, A., Anker, R., & Anker, M. (2019). Updating Anker Methodology Living Wage Estimates: Methodological Issues and Guidelines. Global Living Wage Coalition.
26. Müller, T. (2023). Minimum wage developments in 2022: Fighting the cost-of-living crisis (ETUI Policy Brief No. 2023.02). Brussels, Belgium: European Trade Union Institute.
27. OECD. (2022). Minimum wages in times of rising inflation: Coping with the cost of living crisis. Paris: OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/2e622174-en>
28. Dolton, P., C. R. Bondibene, and J. Wadsworth. "Employment, inequality and the UK national minimum wage over the medium term." *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 74:1 (2012): 78–106.
29. Schlicht, E. "Wage generosity." *Journal of Institutional and Theoretical Economics* 148:3 (1992): 437–451.
30. Schlicht, E. (2016), Efficiency wages: Variants and implications, IZA World of Labor.
31. How are minimum wages set? IZA World of Labor 2023: 211v2
32. Wageindicators.org
33. Statista.com
34. Countryecinimic.com
35. iloostat.ilo.org/topics/wages



مؤسسه مطالعات پژوهش‌های بازرگانی

پژوهشکده مطالعات اقتصادی و توان رقابتی

گروه اقتصاد کلان و آینده‌پژوهی

تهیه‌کنندگان:

دکتر حسن ولی‌بیگی، دکتر سعیده هوشمند و دکتر زورار پرمه

همکار:

دکتر سید صالح اکبر موسوی

ناظر علمی:

دکتر علیرضا گرشاسبی، دکتر سمیه نعمت‌الهی

تاریخ انتشار:

اسفند ماه ۱۴۰۴



www.itsr.ir

اداره توانمندسازی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مدیر و طراح گرافیک:

مهدی کشاورز افشار

صفحه‌آراء:

الهام اولیابک

نسخه سوم:

۱۴۰۴، ۱۲، ۰۳



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
The Institute for Trade Studies & Research

تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تعیین حداقل دستمزد



موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

WWW.ITSR.IR

آدرس: خیابان کارگر شمالی، بالاتراز بلوار کشاورز، نبش کوچه همدان، پلاک ۱۲۰۴

تلفن: ۸۰-۶۶۴۲۳۳۷۸-۸۰ نمابر: ۶۶۹۲۹۶۳۴

info@itsr.ir



www.itsr.ir